



اسلحه‌های سرد و گرم یعنی قلم و بیان و مسلسل را از سانه‌گیری بروی یکدیگر - منحرف و بسوی دشمن های انسانیت که در راس آن آمریکا است نشانه روید - امام خمینی

توطئه سازشکاران و مرتجعین علیه انقلابیون

بیانیه جنبش مسلمانان مبارز

بسم خدا

اخیراً محافل سازشکار و مرتجع که زیر ضربات افشاکاری و مبارزه مکتبی - سیاسی خلق و نیروهای مترقی رسوا و بی‌آبرو شده‌اند، دست به انتشار دوبرگ از یکی از بیروندهای متعدد برادر مبارز دکتر حبیب‌الله بیمن در ساواک زدند، تا مگر از این طریق چهره این مبارز اصیل را مخدوش سازند.

صرف نظر از اینکه در این سند چیزی علیه برادر بیمن وجود ندارد و مطالعه دقیق آن مؤید این مطلب است، باید از آقایان سازشکار و مرتجع که لایذ تصور می‌کنند به کشف بزگی نایل شده و انتقام - جوئی شورینی از یکی از مبارزین اصیل بعمل آورده‌اند، پرسید اگر حسن نیت دارید و اقدام شما تنها برای آگاه کردن مردم است، چرا فقط این دو برگ را از میان بیرونده قطور برادر بیمن در ساواک ارائه می‌دهید؟ و چرا تمامی آنرا در معرض قضاوت جامعه نمی‌گذارید؟! تا بهتر مفهوم و چگونگی این سند آشکار شود.

این نوشته از بیروندهای استخراج شده است که علیه دکتر بیمن و دوستانش در جنبش آزادیبخش مردم ایران که سال ۴۴ تشکیل شد، این گروه که بنام "جاما" برای اولین بار با مشی مسلحانه، علیه رژیم سلطنتی تشکیل کردند، بیانیه‌های معروف آن علیه شاه و رژیم وابسته، توسط دکتر

بیمن تهیه می‌شد. هنگام بورس ماموران رژیم به جنبش آزادیبخش مردم ایران، دکتر بیمن موفق به فرار می‌شود، و در مدت اختفا همداستان و مدارک را از دسترس بلیس و ماموران ساواک خارج می‌کند و ضمن برقراری ارتباط با اعضا "جاما" در زندان به ادامه کار و انتشار بیانیه‌های دیگر اقدام می‌نماید. موقع دستگیری برادر دکتر بیمن با اینکار و عمل ایشان، ساواک نتوانست کوچکترین برگه‌ای از گروه بدست بیاورد. لذا با جمع‌بندی که از ادامه کار و تجدید سازمان داشت، دکتر بیمن در بازجویی منکر تمام فعالیت‌های سازمانی در "جاما" شد و در تمام مراحل بازجویی و بازپرسی علیه انواع فشارها و شکنجه‌های ساواک موفق شد حتی یک اطلاع ساده از جریان کار "جاما" و اعضا و افراد آن از ایشان بدست بیاورد. برادر بیمن حتی ناچار بود اعترافات بعضی افراد را که قبلاً بازداشت و در زیر شکنجه ناچار به دادن بعضی اطلاعات شده بودند، منکر شود، بنحویکه سایرین هم با انکار بدان در دادگاه منکر اعترافات خود شدند و حرف های خود را در بازجویی از روی شکنجه‌های سخت استناد کردند و اوراق بیرونده تمامی از این اعترافات سخت وی و دیگر اعضا "جاما" حکایت دارد. نظریه ساواک برای دادگاه نظامی و منکر کیفرخواست، معقول

گواه قضاوت رژیم سفاک و ضد خلقی پهلوی در باره "عصر سرحت و مقاومت" چون دکتر بیمن است. ما از مسئولین اسناد ساواک تهران که اوراق و بیرونده‌های مبارزین را در اختیار محافل سازشکار و مرتجع قرار داده‌اند، می‌خواهیم، لااقل کیفرخواست و نظریه ساواک را که در همان بیرونده است در معرض قضاوت عامه بگذارند، و به آنان هشدار می‌دهیم که از اینکه عمل مرتجعانه که برگه‌ای از میان اوراق بیرونده مبارزین چون دکتر بیمن را در اختیار سازشکاران و مرتجعین قرار می‌دهند تا به گمان خود به نیروها و افراد مترقی و خط انقلابی ضربه وارد سازند، دست بردارند، که این شیوه های ارتجاعی برای خلق مسلمان و انقلابی روشن و آشکار است.

برادر بیمن در مراحل بازجویی موفق شده بود تا حدودی ماموران ساواک را گمراه کند و بعد از محکومیت در دادگاه تجدیدنظر در شرایطی که هر روز بیجیده‌تر می‌شد، لزوم اقدامی احساس می‌گشت، لذا بمنظور رهایی سریع از زندان و ادا سه فعالیت در بیرون، در مراحل بازجویی موفق شد تا ساواک را گمراه کند و از زندان موقتاً بیرون بیاید. این ضرورت بعدها هم مورد تأیید همه مبارزان قرار گرفت.

واقعیتهای بعدی و عملکرد ایشان که بقیه در صفحه ۵

مجلس، مردم و انقلاب

● ما نه بیک مجلس شورا که به هزاران مجلس شورا در تمام مملکت، در هر ده و کارخانه، مرزعه، اداره، کارگاه و محله احتیاج داریم.

مجلس شورا چنانکه از اسامش پیداست و در قانون تعریف شده‌است، نهادی است که از طریق آن اراده ملت بر امور مملکت اعمال می‌شود، جایی است که حق حاکمیت مردم تحقق و تجلی پیدا می‌کند.

هدف مجلس شورا آنستکه حق تصمیم‌گیری و قانونگذاری و حکومت‌کردن را به ملت واگذار کند. مجلس شورا در نظام جمهوری قاعداً باید تبلور اراده و حاکمیت خلق و جمهور مردم باشد. نظام شورایی و جمهوری در برابر نظامهای استبداد و مطلقه و فردی قرار دارد، از شوری، اصل تصمیم‌گیری دستجمعی و مشورت و قبول رأی اکثریت و از جمهور، مشارکت کلیه مردم در امر تصمیم‌گیری، مستفاد می‌شود. در حکومت‌های استبدادی و مطلقه، این حق رسماً و علناً از مردم سلب می‌شود، حکومت در دستهای یک یا چند نفر متمرکز است و حکام اگر هم به

مشورت بپردازند، تصمیم‌نهایی، همان رأی است که خود می‌دهند، از رأی مردم تبعیت از نظر و رأی مردم یا حتی مشاوران خود ندارند.

از این نوع نظامات برای مردم یا همانطور که معمول بود و می‌گفتند - رعیت صلاحیت شرکت در امر حکومت و قانونگذاری و مشورت قائل نبودند. رعیت باید گوش بفرمان رؤسا و بزرگان و حکام باشد، هر چه گفتند یا تصمیم گرفتند و فرمان دادند، اطاعت کند، زیرا در قاموس آنان، صلاح مملکت خویش خسروان دانند! نه مردم. هزاران سال به توده‌ها آموختند و تحصیل کردند که اطاعت کنند و فرمانبردار باشند، تلقین کردند که آقا بالا سر احتیاج دارند، آموختند که در اصل بعضی برای حکومت‌کردن آفریده می‌شوند و سلطنت و دولت موهبتی است الهی که خداوند فقط بقیه در صفحه ۲

بهاست اینطوریک (۳۳) دکتر حبیب‌الله بیمن

تبادل ارزشها در جامعه توحیدی

● نفی استثمار و از بین بردن طبقات استثمارگر و برقراری توحید اجتماعی گام بلند و اساسی و نخستین در آزاد کردن انسانها و جامعه انسانی است.

در جامعه توحیدی باید چگونگی قانون تبادل ارزشها برای همه مردم معلوم شود تا هر کس بنحوی صحیحی امکانات مادی و وسایل و ابزار را در خدمت هدف اصلی درآورده، مکتسبات مادی را به ارزشهای عالی روحی تبدیل کند.

قانون تبادل ارزشهای مادی، ارزشهای معنوی باید اساس کار امت در جامعه توحیدی باشد. امت در جامعه توحیدی باید بدانند که ریسوی خدا دارد و بطرف وی در حرکت است. آنچه در این سفر سخت و پرنج و درد و تلاش و کشمکش او را بکار می‌آید - آگاهی و شناخت صحیح از راه و داشتن توشه‌ای از ذخائر روحی و معنوی است - اما در همان حال نباید

فراموش کند که روح از جسم جدا نیست و ارزشهای معنوی و روحی در اثر تکامل کیفی ارزشهای مادی و جسمانی بدست می‌آیند، شعور انسانی و روح خدایی در سایه فعالیت صحیح اندیشه و تفکر و عمل درست بوجود آمده رشد می‌کند. عواطف عالی بشری و خصلتهای خدایی در سایه عمل روی ارزشهای مادی تعالی پیدا می‌کنند.

برای تلاش و عمل درست و برای اندیشه سالم، بدن سالم باید فقر و محرومیت در زمینه نیازهای جسم مانع از عمل و اندیشه درست و سالم است. روح سالم در بدن سالم است از اینرو فقر و محرومیت مادی را باید بعنوان اولین و بقیه در صفحه ۵

از برخوردارها و آسوبهای چند روز اخیر چه عواملی جز امپریالیسم و سازشکاران وابسته سود می‌برند؟

● ما هم چنانکه بارها عمل نیروهای فشار را محکوم کرده‌ایم، نسبت به رشد این پدیده به همه نیروهای انقلابی هشدار می‌دهیم.

شده است، تا از رشد منطقی نیروها و افکار و عقاید اصیل جلوگیری کرده، نیروهای خلقی را بجای مبارزه متحد علیه دشمن اصلی رو در روی یکدیگر قرار دهد.

ما همچنانکه بارها عمل نیروهای فشار را محکوم کرده‌ایم، نسبت به رشد این پدیده به همه نیروهای انقلابی هشدار می‌دهیم.

منتقدیم که در درجه اول مقامات مسئول باید از این نوع برخوردها بدست جلوگیری کنند و سپس افراد ساده‌ای که بدون توجه به انگیزه‌ها و نتایج، صرفاً بقیه در صفحه ۲

آسوبها و برخوردهای خست‌بار اخیر در تهران و شهرستانها، نشانه رشد یک گرایش خطرناک در جامعه انقلابی است.

گرایشی که هدفش در وهله اول منحرف ساختن افکار عمومی از هدفهای اصلی انقلاب و دشمن عمده یعنی امپریالیسم آمریکا و نیروهای وابسته بدان در داخل - سرمایه‌داران و سازشکاران - و دامن زدن به تضادهای فرعی و غیراصولی است.

و در وهله دوم، رواج برخوردهای خست‌بار و نزاعهای خونین داخلی نظیر آنچه در ترکیه و سایر ممالک زیر سلطه به تشویق محافل امپریالیستی و ارتجاعی رایج

پیام و هشدار به برادران دانشجوی مسلمان پیر و خط امام

سرنوشت مبارزه با امپریالیسم آمریکا بکجا می‌انجامد؟



خفگی می‌گشت. اهداف غیراصولی جای هدف اصلی وعده را می‌گرفت - اشغال سفارت و دست‌یابی به اسنادی که معرف توطئه‌های امپریالیسم در مبین ما بود، مردم را که زیر فشار مخدرا، به خواب می‌رفت تکان داد و متوجه دشمنی نمود که کم‌کم فراموش می‌کردند.

سرگرمیهای تازه و کشمکشهای منحرف‌کننده مردم را بخود مشغول ساخت و دولت موقت و سازشکاران - تدریجاً" مواضع منزلزل نظام گذشته را محکم می‌کردند و راه را برای سازش‌ناهی با آمریکا فراهم می‌کردند - انقلاب در پوسته خود دفن می‌شد، و دچار

کسی نیست که در اهمیت و تاثیر اشغال سفارت و گروگان‌گیری جاسوسان امریکایی توسط برادران دانشجوی ما در مبارزه با امپریالیسم و تامین وحدت خلق در مبارزه با دشمن تردید داشته باشد - سازشکاران و محافل وابسته به سرمایه‌داری و امپریالیسم را کنار بگذاریم که این اقدام شجاعانه را بباد تسمخر گرفتند و با آن مخالفت نمودند - بعضی زمین آنرا غصبی و نمازش را باطل شردند! بعضی که در اصالت کار دانشجویان تردید کردند یا نخواستند به اصالت آن اعتراف کنند، آنرا بازی و توطئه محافل وابسته به امپریالیسم قلمداد کردند.

در این مقاله قصد آن نیست تا ابعاد مثبت این اقدام یک‌یک مورد بحث قرار گیرد، کافی است بیاد آوریم که در فاصله بعد از قیام ۲۲ بهمن تا اشغال لانه جاسوسی طغیان خلق علیه دشمن فروکش کرد و دشمن اصلی خلق یعنی آمریکا فراموش می‌شد - توده‌ها از صحنه کنار رفتند و

کارگران مسلمان حق خود راهی ستانند

نفودی که چندین کارخانه در نقاط مختلف ایران و در کشورهای مثل عربستان سعودی دارد. توانسته است از استثمار کارگران رنج کشیده و ستمدیده ایرانی سرمایه‌های کلانی بجیب بزند. او که از فدای روز عاشری ۵۷ از ایران فرار کرده بود در اوایل نوروز ۵۸ با پشت‌گرمی فراوانی که در داخل وجود داشت، بازگشت تا مثل صدها سرمایه‌دار وابسته با تکیه بر عناصر وابستگای که در چهره اسلامی و انقلابی‌نمایی بنا حق وارث خون شهدای

"مستضعفان همه بلاد و ممالک باید حق خودشان را با مشت بگیرند، منتظر نباشند حق آنها را بدهند، مستکبرین حق مستضعفین را نخواهند داد." امام خمینی

اکنون مدت یک هفته است که کارگران مبارز گروه صنعتی مینو علی خسرو شاهی و چند تن از عوامل سر برده او را در محل کارخانه بگروگان گرفته‌اند. کارگرانی که راهی جز این برای احقاق حقوق از دست رفته و ارائه نظریات صنفی - سیاسی خود نیافتند. علی خسرو شاهی سرمایه‌دار معروف و پیر

جلسه هفتگی

مجلس تنها یک نمود از تجلی اراده خلق عنوان سخنرانی برادر دکتر حسن افتخار نامزد جنبش مسلمانان مبارز از تهران پنجشنبه ساعت ۴ بعد از ظهر



مجلس، مردم و انقلاب

بقیه از صفحه اول

به اشعار، معنی ارزانی می‌کند و رعیت را می‌داند که پادشاه را از این نعمت یا اطاعت کردن بدارد.

اما حقیقت جز این بود و هست. چنین تقسیم‌بندی و خاصه خرجی در جهان و در قانون خدا وجود ندارد، انسانها همه از یک منشا، خلقت‌اند و اگر نعمت و موهبتی وجود دارد، برای همه است. حکومت ملوک اختصاصی کسی نیست، چنانکه زمین و آب و سایر نعمت‌های طبیعت هم مختص فرد معینی نیست. همه از آن خدا می‌باشند و خداوند به انسانها و به همه مردم ارزانی داشته تا بدان وسایل امور خود را سامان دهند و بسوی او رشد و ارتقا و کمال پیدا کنند. جانشین شدن انسان بر روی زمین، مبین این معاست، انسان وارث زمین است و مسئول و مختار. مسئولیت و آزادی دو جز از یک حقیقت‌اند. تا آزادی و اختیار نباشد مسئولیت و تعهد معنا ندارد، انسان از آنجست مسئول در برابر خود و خداست که آزاد و مختار آفریده شده است. حیواناتی که گاری جز فرمان بردن از دستورات غریز ندارند، مسئولیت هم ندارند، کسی از آنان بازخواست نمی‌کند، سرنوشت آنان از راه‌شان واگذار نشده است. ولی خداوند انسان را مسئول قرار داده و به همین منظور به وی آزادی و حق حاکمیت بخشیده است، نفی آزادی و حق حاکمیت انسان، در حقیقت نفی مسئولیت وی می‌باشد.

آزادی و حق حاکمیت، نعمتی است خدا دادی و به عموم تعلق دارد، حقیقت متعلق به فرد فرد انسانها. زیرا فرد فرد انسانها بر برابر سرنوشت و خدای خویش مسئولند، آیا می‌شود از حق حاکمیت صرفنظر کرد؟ نه! زیرا از مسئولیت راه گریزی نیست. اگر بتوان از زیر بار تعهدی که خداوند بردوش ما گذاشته شانه خالی کرد، می‌شود از حق حاکمیت هم صرفنظر نمود.

حق حاکمیت بیان دیگری از جوهر آزادی و مختار بودن است و آزادی در حقیقت جوهر اصلی وجود انسان است و شاخص انسانیت و تکامل. چنانکه می‌دانیم، در برابر سرنوشت وقتی مورد بازخواست قرار می‌گیریم، عذر و بهانه‌ای از این قبیل که آزادی و حق تصمیم‌گیری را به دیگری داده بودیم، مورد قبول نیست، فرد فرد کل جامعه و همه انسانها، مسئولیت دارند و بازخواست می‌شوند.

در نظامهای استبدادی، عنان زندگی و مسئولیت که به ما سپرده شده است، به‌کرات توسط حاکم مستبد سلب می‌شود، بی اراده و خواست مردم، این حق را بخود اختصاص می‌دهند و خود را قیم و سرپرست مردم می‌نامند، درست همان رفتاریکه در مورد کودکان نابالغ و افراد سفیه و بی‌عقل و شعور، اعمال می‌شود. در نظامهای دموکراسی ظاهراً این حق به مردم بازگردانده شده، لکن مردم مجدداً بدلتخواه از این حق صرفنظر می‌کنند و هر بار آنرا به اشخاص معینی که نام وکیل و نماینده روی خود می‌گذارند، می‌دهند، تا آن عده از جانب مردم حکومت کنند.

در حقیقت مردم با اینکار، یعنی با انتخاب چند نفر به عنوان وکیل و یا انتخاب یک نفر بعنوان زمامدار و اعطای حق تصمیم‌گیری، قانونگذاری و حکومت کردن بگلی از حق خدادادی خویش صرفنظر می‌نمایند، با این عمل مسئولیت را از خویش سلب می‌نمایند. وقتی مردم حق تصمیم‌گیری را از خود سلب نمودند در حقیقت آزادی و اختیار خویش را صرفنظر نموده‌اند. یعنی مسئولیت از دوش خود بر زمین گذاشتند، کسی که آزادی و اختیار ندارد، کسی که حق تصمیم‌گیری ندارد، چگونه می‌تواند مسئول کار و سرنوشت خویش باشد؟ درست شبیه آنکه فردی از اختیار و تسلط بر مال خود صرفنظر کند و مثلاً برای مدت یک یا چهار سال حق استفاده از مال خود را طی یک وکالت برگشت‌ناپذیر و باطل نشدنی، به دیگری بدهد، در فاصله آن چهارسال لااقل از حق خود بگلی محروم شده است و قدرت تصمیم‌گیری و استعداد اعمال حق حاکمیت و آزادی وی نیست به مال، تعطیل شده، اعطای حق حاکمیت که نشانه و مظهر آزادی و اختیار و مایه مسئولیت انسانی است به دیگری، در حقیقت تعطیل کردن آن است. آیا مردم حق دارند از این حق و مسئولیت فردی چشم‌پوشی کنند؟ در آن صورت در ماهیت چه فرقی می‌کند که این حق را از شما بگیرند یا شما خود از کف بدهید؟ در هر حال خویش را محروم کرده‌اید، محروم از جوهر انسانی و روح الهی که عامل تمایز و نشانه تکامل انسان است. در هر یک از دموکراسیهای رایج در جهان

● اگر مجلس شورایی محصول عالی مجلس شوراها در تمامی کشور باشد، آنگاه میشود از یک انتخاب درست و نمایندگی واقعی صحبت کرد.

معاصر، بنحوی از آنها، این حق از مردم سلب می‌شود. منتهی در ظاهر امر، مردم بدهاند که آزادانه به چنین تصمیم حلقی می‌دارند و وزیده‌اند، نتیجه در هر دو شکل تا حدودی یکسان است. در حکومت‌های مستبد و در حکومت‌های جدید که مبتنی بر رای عام و مجالس نمایندگی است، عملاً حق حکومت کردن، قانونگذاری و تصمیم‌گیری از توده سلب می‌شود، اگر چه با شیوه‌های متفاوت، یکی با زور و تحمیل شده از بالا و دیگری با آزادی و اعطا شده از پایین. مردم یک روز جمع می‌شوند و به عده‌ای که می‌شاستند و اغلب هم نمی‌شاستند، رای می‌دهند تا برای مدت چندین سال بجای آنان حکومت کنند - در این مدت مردم گاری جز فرمان بردن و پرداختن بیوظایف اختصاصی، گاری ندارند.

آیا مسئولیت انسانی تعطیل‌بردار است؟ اعمال و استفاده از حق خدادادی حاکمیت دوجنبه و بعد اساسی دارد و به‌همین دلیل هرگز تعطیل‌بردار نخواهد بود.

اول - نفس اعمال آن سبب تکامل و رشد انسان می‌شود - آزادی وقتی معنا دارد که عملاً تجربه شود، آزادی حاصل تکامل هستی و رفتن بسوی خداست و استفاده از آن، خود موجب تکامل بیشتر و آزادتر شدن است. می‌گوییم انسان قدرت انتخاب دارد، بشرطی این حرف حقیقت پیدا می‌کند که بکار رود. اگر از انتخاب آزاد صرفنظر کردیم و اجازه دادیم دیگری برای ما انتخاب کند، آن قدرت را عملاً از دست می‌دهیم و پس از مدتی بگلی عاجز از استفاده و کاربرد آن می‌شویم، عادت می‌کنیم دست‌ام را بگیرند و راه نشان دهند. استعداد فوق‌گاملاً تعطیل می‌گردد، پس تجربه و استفاده از یک استعداد، سبب رشد آن می‌شود.

دوم - چنانکه گفته شد مسئولیت و بازخواست، واقعیتی است که انسان راه گریز از آن را ندارد. چه بخواهیم و چه نخواهیم سرنوشت از ما بازخواست می‌کند و روی اعمال ما حساب می‌نماید. آنچه ما شخصاً انجام داده‌ایم و آنچه بر ما وارد شده است، جمعا آینده ما را می‌سازد و برای آن بازخواست می‌شویم، حال اگر از حق آزادی و حاکمیت خویش صرفنظر کرده، افسار زندگی و سرنوشت را بگلی به دیگران داده باشیم، بر خود ستم روا داشته، به آینده خویش خیانته کرده‌ایم. پس مسئولیت تعطیل‌بردار نیست و بهمان دلیل حق حاکمیت و آزادی را هم نمی‌شود سلب کرد و نمی‌توان واگذار نمود.

ممکن است بگویند ما به کسانی وکالت می‌دهیم تا اصولی را که تنظیم کرده‌ایم اجرا کنند و آنان حق ندارند از اصول مذکور تجاوز کنند. جواب می‌دهیم آن اصول را چه کسانی تدوین و تنظیم کرده‌اند؟ اگر قوانین اساسی را مردم می‌نویسند، آیا باز در نوشتن آن توده به چند نفر وکالت داده و عملاً با این کار از حق خود چشم‌پوشی نکرده است. در دموکراسیهای غربی، قوانین اساسی را نمایندگان از جانب مردم می‌نویسند، باز مردم نیستند که در تدوین آن دست داشته‌اند و سپس باز هم تعدادی نمایندگی می‌دهند. در اینجا هم مردم عملاً از حق حاکمیت و آزادی خویش محروم شده‌اند. ذهن و اندیشه و اراده و آزادی آنان برای تشخیص و تعیین اصول و ضوابط و قوانین برگزیده، فقط معدودی انگشت‌شمار این استعدادها را بکارنداخته‌اند و بقیه آنها را معطل گذاشته و به تعینت اکتفا نموده‌اند.

اگر بگویند، درست است که در دموکراسیهای غربی، قوانین اساسی را نمایندگان مردم بر طبق رای و نظر خود، تعیین و تصویب می‌نمایند، اما در نظام و حکومت اسلامی قانون اساسی از جانب خداوند تعیین و نازل شده، لذا مبتنی بر رای و تشخیص افراد خاص نخواهد بود. می‌گوییم این حرف گاملاً درست است، اصول کلی و قوانین اساسی، همانهاست که خداوند بر جهان حاکم و جاری کرده و کسی نمی‌تواند خارج از آن چارچوب تصمیمی اتخاذ کند یا قانونی به تصویب برساند. حال اگر آنکس نماینده مجلس

باشد یا همه آحاد مردم فرق ندارد. صرفنظر از اینکه در نحوه تدوین و برداشت از قانون اساسی الهی برای تنظیم یک قانون اساسی مکتبی جای سخن بسیار است. اکنون این سؤال مطرح است که حق حاکمیت مردم در یک چنین نظامی چه می‌شود؟ پاسخ مکتب روشن است، خداوند و قانون الهی، راه جهت و ضوابط کلی را نشان داده و تعیین کرده است، جهت و اصولی که عام میباشند و در همه زمانها و مکانها، اعتبار دارند، مختص شرایط معین نکرده و بهمه انسانها تعلق دارند، زیرا بیان واقعیهایی هستند مستقل از زمان و اما در همانحال میدانیم که خداوند انسانها را به آگاهی و آزادی اعطا فرموده تا با استفاده از این هدایت و راهنمایی، تصمیم‌گیری کنند و قانون وضع نمایند و اداره امور زندگی را بدست گیرند.

اگر نظام حکومت و قانونگذاری بنحوی باشد که امکان تصمیم‌گیری و مشارکت دائمی را به مردم ندهد، و اگر در یک حکومت بخش کوچکی از مردم بی هیچ دلیل موجهی (نظیر ظلمت یا سفاقت) از این حق محروم

● حق حاکمیت بیان دیگری از جوهر آزادی و مختار بودن است و آزادی در حقیقت جوهر اصلی وجود انسان است و شاخص انسانیت و تکامل.

شوند، برای همیشه و یا برای یک مدت معین، ستمی بزرگ بر مردم رفته است. تقریباً در همه نظامهای حکومتی جدید غربی یا شرقی - سرمایه‌داری یا سوسیالیستی، در هر کدام بنحوی مردم از حق حکومت کردن و تصمیم گرفتن و وضع قانون محروم شده‌اند، در همه این ممالک معدودی از افراد جامعه قدرتهای تصمیم‌گیری و مقننه را در دست دارند و آزادی و مشارکت مردم در هر یک بشوهای بگلی سلب شده است، در بعضی به کمک قدرت سرمایه و تبلیغ و تلقین - جبرهای مختلف اجتماعی و در بعضی با قدرت زور، اطاعت حزبی و بازمهم تلقین و تعلیم و تبلیغ. بحث بر سر این نیست که آن معدود رهبران و نمایندگان چه نوع قوانینی، سود یا زیان مردم، وضع میکنند، بحث در اینست که مردم تا چه میزان از استعداد خدادادی خویش - آزادی و اختیار و آگاهی و انتخاب - و از حق حاکمیت خویش بهره‌مند و بکار می‌برند. حتی

● انقلاب اسلامی ایران بدون عینیت‌دادن به حاکمیت مردم در شوراها، فاقد محتوای اصیل مکتبی است.

در کشوری که رهبران تصمیماتشان صد درصد منطبق با منافع و مصالح مردم است، بازاریان ضعف بزرگ وجود دارد که مردم "صغیر" بحساب آمده‌اند.

در این توحیدی و در نظام اسلامی، باید شرایطی فراهم شود که همه مردم بتوانند از حقوق خدایی استفاده کنند، در غیر اینصورت قادر نخواهند بود، بسوی خدا - کمال مطلق - رشد و ارتقا پیدای کنند. ظلمی بزرگتر از این علیه انسان تصور نیست. پرهیز از این ستمگری چگونه میسر است؟ برای این منظور دو اصل اساسی باید رعایت شود: اول - مشارکت هر چه وسیعتر مردم در امر تصمیم‌گیری و قانونگذاری، نه فقط در انتخاب نماینده، کافی نیست گسه اکثریت مردم در انتخابات شرکت کنند، اصل اینست که همه مردم در اداره امور، در تصمیم‌گیریها، در قانونگذاری "در چارچوب اصول مکتب یا قوانین اساسی" مشارکت عملی و دائمی داشته باشند، حق حکومت کردن به همه داده شود و از هیچکس سلب نشود. بدیهی است آنگاه واکتفا به مجلس شورا پاسخگوی این نیاز نیست، در مجلس چند صد نماینده جمع میشوند و بجای سی میلیون نفر تصمیم‌گیری میکنند و چند ده نفر بجای سی میلیون نفر حکومت میکنند، یعنی دوقوه مجریه و مقننه که دو بعد اصلی حق حاکمیت و آزادی مردم‌اند، عملاً از توده سلب شده و به عده‌ای خاص، اگر چه برای زمان محدود و محول و واگذار شده است.

در جمهوری اسلامی باید همه مردم بنحوی در اداره امور مملکت - اجرایی و قانونگذاری - شرکت مستقیم و فعال داشته باشند، یکی مجلس شورای چند صد نفره هرگز پاسخگوی این نیاز نیست، تنها نظام شورایی در گسترده ترین ابعاد میتواند حاکمیت واقعی توده را جامعه عمل پوشاند، ما نه بیگ مجلس شورا که به هزاران مجلس شورا در تمام مملکت در هر ده و کارخانه و مزرعه، اداره و کارگاه و محله، احتیاج داریم. در مجالس شورا تنها نباید چند صد نفر نماینده که باید همه خلق امکان شرکت و نظر دادن و مشورت کردن و تصمیم گرفتن داشته باشند، هیچکس نباید از این حق

طبیعی خدادادی محروم ماند، یعنی همه عمر حتی یک بار فرصت اتخاذتصمیم پیدا نکند. هزاران سال هنوز هم میلیونها مردم از این حق محروم اند و دولت‌ها و نمایندگان و احزاب و قدرها هر کدام سه گونهای آنرا اختصاصی کرده‌اند. آیا بدون تشکیل و گسترش نظام شورایی میشود از حق حاکمیت مردم صحبت کرد؟ آیا صرف تشکیل مجلس شورایی نشانه بازگشت این حق مردم است؟ مجلسی که نمایندگان آنرا مردم غالباً از روی شناخت نزدیک و درست، بلکه تحت تاثیر معرفی و تبلیغات و بناچار برمی‌گزینند. هر حزب و دست‌نمای که قدرت تبلیغاتی و تلقینی بیشتری دارد و از گانگالهای نفوذی بیشتری بهره مند است - تعداد بیشتری از نمایندگان خود را بمردم تحمیل خواهد کرد. اگر مجلس شورایی محصول عالی مجالس شوراها در تمامی کشور باشد آنگاه میشود از یک انتخاب درست و نمایندگی واقعی صحبت کرد. از این رو معتقدیم که تشکیل این نوع مجالس پیش از آنکه نظام شورایی در کشور

کسایک حواحن حفظ وضع گذشته - رژیم اریامبری و نظام وابسته به استعمار - می‌باشد و بزرگترین دشمنی و ضدیت را با انقلاب کرده‌اند، مرجعین واقعی میباشند. آنان بر غالب ارگانها و نهادهای کشور تسلط و در آنها نفوذ دارند. نیروهای وابسته به تیوه های کهنه و قدیمی تولید که برعم یعنی، ارتجاع اصلی حساب می‌آید از لحاظ اجتماعی و تاریخی مردماند. آنان

هیچوقت خطر جدی در برابر انقلاب نبوده‌اند. سازشکاران، مدافعان سرمایه‌داری وابسته یعنی لیبرالها، مرجعین واقعی و خطر عمده میباشند. ایشان حاده صاف کن امپریالیسم و مدفون کننده انقلاب و برضد مکتب اصیل و انقلابی اسلام اند. همین جایا در عروق کما اگر اصطلاحات معارف جاری و معروف را هم چنان ملاک قرار دهیم، یعنی اگر بخواهیم همانند آنچه معمول شده است سرمایه داری وابسته نیروهای وابسته بدان (لیبرالها) را از دیگر نیروهای وابسته و ایسگرا و محافظه کار جدا کنیم، همانند گذشته و چنانکه تا کنون تاکید کرده‌ایم این نیروها پایگاه اصلی استعمار و سرمایه داری جهانی میباشند و سایر نیروهای وابسته یعنی مرجعین را متحذین و تکیه گاه و بازوی عمل آنان تعریف کرده‌ایم، لذا تضاد عمده با مردم و انقلاب متوجه همین جریان لیبرالی سازشگاریست، ولی اگر چنانکه در این مقاله اشاره شد سرمایه داری وابسته و سازمانها و نیروهای سیاسی وابسته بدان (به اصطلاح لیبرالها) را محروم اصلی ارتجاع قلمداد کنیم - کسانیکه

بیشتر از هر نیروی دیگری در مقابل انقلاب می ایستند و طرفدار حفظ وضع موجودند و ایسگرا هستند - در اینصورت و با این معنای تازه (اصولی) آنگاه مفهوم مصطلح ارتجاع عوض میشود و در معنای جدیدی که در اصل و در مرکز، طیف لیبرالها را در بر میگیرد، پایگاه اصلی امپریالیسم خواهد بود، نه ارتجاع با معنای مصطلح آن. مبارزه انتخاباتی را به مبارزه جهت افشای سازشکاری تبدیل کنیم، به مبارزه برای بسج آگاهانه خلق در جهت تسدوم انقلاب، مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا شیطان بزرگ و وابسته های داخلی آن، علیه سرمایه داران وابسته، فنودالها، هر نوع نفاق و فرصت طلبی میدل ساریم. مبارزه انتخاباتی باید به عنوان وسیله‌ای جهت معرفی اصول مکتب در عمل سیاسی درآید.

رفتن در مجلس و اشغال کرسی نمایندگی هدف نیست، چگونگی رفتن و یا برخورد با این امر مهم، اهمیت دارد. انتخابات را به فرصتی برای دفاع از انقلاب و مبارزه اصیل و آزادی و حاکمیت خلق و مبارزه علیه همه جریانهای ضد انقلابی و ضد مکتبی سازشکار و فرصت طلب تبدیل کنیم. و السلام

از برخوردها و آشوبهای

رویدادهای اجتماعی تعیین می‌شود. و برخورد آزاد و منطقی به وحدتی تعالی - بختی انجامد و بعکس برخوردهای خشونت‌بار، هر اندیشه را در پوسته خود محبوس کرده، بحالت دفاعی درمی‌آورد و از تحول تکاملی آن جلوگیری می‌کند. بداندید که محرکین این آشوبها و فشارها یا نادان و جاهلاند یا مغرض. در هرحال نباید آلت دست قرار گیرند. و نیروهای انقلابی برای پرهیز از رشد این گرایش و پدید آمدن ضدانقلابی، کمال دقت و هوشیاری را بکار برند و اجازه ندهند قدرتی که باید علیه دشمن خطرناک و فریبکار امپریالیسم بکار رود، در برخوردهای غیراصولی صرف گردد. ادبای این برخوردها و آشوبها زمینه را برای ظهور و رشد تمایلات استبدادی و مطلق‌العنانی مساعد می‌سازد و این خطری است که همه باید با آن به مقابله بپردازیم. بی دلیل نیست که محافل امپریالیستی در این نوع آشوبها و اغتشاشات درون‌دولتی دامن می‌زنند.

بقیه از صفحه اول

پیام و هشدار به برادران دانشجوی

بقیه از صفحه اول

بر انقلاب را دارد و چگونه از سالها قبل یکجریان سازگارانه را در برابر جریان انقلابی، حمایت و تقویت می‌کردند. سوخته می‌شدند که در میان کسانی که تمام انقلاب و همگامی با امام در راه قدرت و مسئولیت قرار دارند - جریان و سیاست سازگارانهای وجود دارد که در خط انقلاب و امام نیست. اگر چه ظاهر به حمایت از انقلاب و طرفداری از امام می‌کنند اما، عملاً در خط آمریکا حرکت می‌کنند.

مردم با حدودی دریافتند که نباید روی ظواهر و شعارها و ادعاها قضاوت کنند - آمریکا را دشمن کوچک و بی‌اهمیتی نسنجیدند. کار آمریکا را در ایران تمام شده تلقی نکنند، نفوذ آنرا با آن بازنمیدانند. اریس آمریکا را در سپاهیان و سربازانش محدود ندیده - سرمایه‌داران وابسته سازگاران و فئودالها و دیگر مزدوران و حاسوسان را اریس واقعی آمریکا در ایران ندانند - مردم دریافتند که بعد از ۲۲ بهمن نه فقط آمریکا ایران را ترک نکرده بلکه سفارت را مرکز جاسوسی و نوطه‌علیه انقلاب ایران و همدی جنسهای منطقه قرار داده است.

● مردم تا حدودی دریافتند که نباید روی ظواهر و شعارها و ادعاها قضاوت کنند.

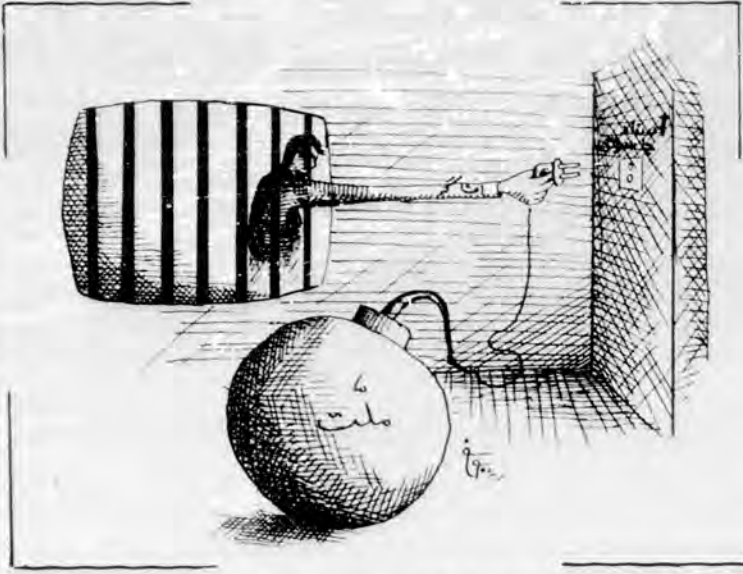
انفعال لانه جاسوسی جریان سازگاری را افشا کرد و موجب سقوط دولت موقت شد و مبارزه ضدامپریالیستی اوج گرفت و انقلاب ادامه یافت - تصادفای غیرمولوی درون خلقی کاهش یافت و اختلافات تحت تاثیر مواجه با دشمن اصلی، فروکش نمود - خط اصلی انقلاب یعنی خط امام از خطوط ضدانقلابی و سازگاری با خط آمریکا بکلی جدا و متمایز گردید.

اما این ابتدای حرکت بود، اولین ضربه برداشتن و پایگاههای آن وارد می‌گشت، آهیم بر حساسترین نقطه ضعف امپریالیسم یعنی بر شبکه اطلاعاتی که در اصل سیستم عصبی یک ابرقدرت است.

برادران دانشجوی، کاری که شما آغاز کردید بی‌نهایت مبارزانه و انقلابی است. مردم یک انقلاب واقعی در جامعه تبدیل شود و تکامل یابد، بی‌نهایت سرنوشت انقلاب را در مسرت‌های قرار دهد و یک دوره کشمکش و تضاد تعالی‌بخش آغاز کند. وجود آورد - صداقت و قاطعیت عمل و حرکت شما در خط اصلی انقلاب و امام اعتماد توده را بدینال داشت. مردم که از محافظه‌کاری و سازگاری مسئولین ملطک به ننگ‌آمده بودند، مردم که از بی‌سربت انقلاب مایوس شده و سرمایه‌داران و حاسوسان و مزدوران و ضدانقلابیون را فعال و رو به رشد می‌دیدند، مردم که خواستنها و هدفهای انقلاب را از خود دورتر و دورتر می‌دیدند، با این اقدام، ناگهان امیدوار و سر شوق و شور آمدند و با تمام وجود از اقدام شما حمایت کردند، به این امید که در کالبد افسرده انقلاب روح تازه‌ای دمیده شود و ضدانقلاب محکوم نابود گردد.

برادران! شما می‌توانستید با اتحاد یک روش درست و انقلابی و بی‌زلزل - این مبارزه را همچنان رو به رشد نگاهدارید و ضرباتی مهلک بر ریشه جریان‌های انحرافی و ضدانقلابی وارد آورید - می‌توانستید بر محور مبارزه علیه شیطان بزرگ زمینه وحدت عمل نیروهای کثیری را فراهم ساخته - خلق را در یک جنبه مشترک علیه شیطان و برهبری امام خمینی متشکل و وحدت بخشید - می‌توانستید، آگاهی سیاسی وحشی مکتبی خلق را سرعت ارتقا دهید و ضعف و نارسایی عمل و سبیل ارتباط جمعی را با کار خراب شده خود جبران کنید - شما می‌توانستید خلق را نسبت به عملکرد پیچیده امپریالیسم در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی - نظامی و فرهنگی آشنا و آگاه ساخته - همه پایگاههای آمریکا و مناطق نفوذ آنرا در نظام اقتصادی - سیاسی و در ارتش و فرهنگ افشا کنید - شما باید می‌دانستید که آمریکا در برابر اقدام شما ساکت نمی‌نشیند و سازگاران با همان ضربه اول از پای درنیاورد و تسلیم نمی‌شدند - باید می‌دانستید که ضربه شما نقش هشداردهندگی داشت، یعنی اولین ضربات معمولاً موجب تجمع و وحدت دشمن و جبهه‌گیری و مقابله هشیارانه آن می‌شود.

چنانکه شاهد بودیم، اولین ضربه نافی شما، سازگاران و مرتجعین را متحد ساخت و بین آن تجدید آرایش به حملات متقابل دست زدند. ولی شما می‌توانستید با ضربات بی‌دردی، با افشاکاری ریشهای - فرصت تجدید قوا به آن نداده از پایگاه



مردمی‌اش محروم و سیر از بد انزوا کشاندن آن - ضربه خلاص را بروی وارد سازید.

لکن شما برادران عزیز استنباطی مریک شدید و در طرز عمل شما نارسائیه وجود داشت که جویبی از طرف سازگاران و محافل وابسته به امپریالیسم مورد استفاده قرار گرفت.

این استنباطات و نارسائیه را باید در موارد زیر جستجو کرد:

اولاً - در نحوه افشاکاری دقت لازم بخرج داده نشد - لازم بود قبل از هر چیز و پیش از افشاکاری جنبه خاصی پیدا کند. تمام ابعاد سیاست تجاوزکارانه آمریکا را بر ملا سازید - لازم بود بر طبق یک برنامه پیش‌بینی شده و بطور منظم اسناد مربوط به فعالیتها و نوطه‌ها و دخلت‌های آمریکا در اریس، در سیاست داخلی، و در مسائل منطقه، در شئون اقتصادی و فرهنگی - افشا و در معرض آگاهی مردم گذاشد شود.

ثانیاً - در افشای یک جریان به یک مورد خاص اکتفا نکرده - کل جریان و همه ابعاد دخالت آمریکا، گنوده شود تا توهم اعمال فشار و نفوذ و با غرض خاصی نسبت به یک گروه مورد نظر پیش نیاید - مثلاً بجای انتشار تک‌تک اسندهای مربوطه به مطبوعات - کلیه اسنادات مداخله‌گرانه آمریکا در امر مطبوعات یکجا افشا شود.

با در افشای جریان سازگاری اولویت به آفشاکردن و معرفی جریان‌های ضدانقلابی داده شود و نام اشخاص تنها در رابطه با جریانی که افشا می‌شود برده شود، نه آنگونه که مثلاً در مورد یکی از نامزدهای ریاست‌جمهوری جداگانه و ناگهان در شب رای‌گیری، ارائه گردید.

این نحوه افشاکاری "موردی" و "مناظر از هدفهای خاص یا احیاناً" فشارهای خاص - بر اعتبار کار شما و اسناد و جریان افشاکاری لطمه شدید وارد ساخت.

ثالثاً - کار افشاکاری با کندی بسیار پیشرفت کرد بخصوص مردم را افسرده و دل‌سرد و دچار تردید می‌ساخت، در حالیکه با توجه به نوطه‌های وسیع سازگاران و محافل وابسته به آمریکا علیه شما می‌بایست با اغتمام فرصت، اسناد را دسته‌دسته و بی‌دردی از وسایل ارتباط جمعی رادیو - تلویزیون، مطبوعات و با بصورت مستقل در جزوات متعدد منتشر سازید - شما بعکس آنقدر در افشاکاری تغل بخرج دادید که تصور می‌شود فرصت از کف شما خارج گردیده و مردم شانس آگاه شدن از کلیه اسناد را که حاوی اطلاعات دقیقیتی است از کف می‌دهند. در افشاکاری نمی‌بایست تنها اسنادی را که با سبیل و جریانات سیاسی ارتباط دارد مطرح می‌گردید، بلکه لازم بود اسناد مربوط به سایر مسائل - هر اندازه بظاهر بی اهمیت را هم منتشر می‌ساختید.

رابعاً - ما بدرستی نمی‌دانیم که در جاسوخانه اسنادی درباره مداخله آمریکا در ارتش یا ادارات و در شئون اقتصادی یا سایر نهادهای جامعه وجود دارد یا نه، اما بعید است که در این زمینه اسنادی بجای مانده باشد. مردم سؤال می‌کنند چرا این اسناد منتشر نشد؟ این سئوالها به نوبه خود بر اعتبار و همچنین تاثیر مثبت اقدام شما اثرات نامطلوب برجای گذاشته است.

خامساً - بعد از یک دوره کوتاه برخورد فعال با مسائل سیاسی و افشاکاری، تدریجاً به موضع انفعالی رفته و از تهاجم مدتها از انتشار هرنوع سندی خودداری شد و شایعات منتشره در این میان با توجه به سکوت و برخورد غیرفعال شما، باز هم اهمیت اقدام شما را کاهش داد.

در برافشاکاری خون، برور شتابد، آن طس هستند که سالها گذشته طرف دو همد آید. یکی جل، سود و آمریکا آماده است که حتی بطور کجابه کتک‌های بطائی و اقصای خود را به ایران از سر کرد. وانگلیسنها و فرانسویها و سایر دولت امپریالیستی اروپا و راس هم کاتلاً حاضرند تا از انقلاب اسلامی ایران در برابر خطر کمونیسم و کافران دفاع کنند. هم‌اکنون تمام وسایل تبلیغاتی در عرب غمیر لحن و بوضع داده‌اند و با

● لازم بود قبل از هر چیز و پیش از آنکه افشاکاری جنبه خاص پیدا کند، تمام ابعاد سیاست تجاوزکارانه آمریکا را بر ملا سازد. ● اقدام شما اذهان را برای یک بسیج توده‌ای علیه مواضع امپریالیستی آماده ساخت، شور جهاد و فداکاری اوج گرفت.

جوسینی از آینده اوضاع در ایران چون دانه مهربان را از مادر از اسلام دفاع می‌کنند. بنظر می‌رسد که طراخان کاج‌سفيد در طرحهای ماهرانه خود تا کنون موفق بوده‌اند. اختلافی که بین محافل سازگار در ایران در رابطه با آمریکا با اروپا وجود دارد از لحاظ تاثیر که در سرنوشت انقلاب و مبارزه ضدامپریالیستی می‌گذارد بی‌تفاوت است - یک جناح می‌خواهد ایران از لحاظ نظامی و اقتصادی به اروپا و خصوصاً فرانسه اکتفا کند، یک جناح هم چنان طرفدار اکتفا نظامی به آمریکا است اما در حال حاضر سرنوشت انقلاب ایران است که مورد مصالحه و معامله قرار می‌گیرد.

برادران و خواهران شما در موقعیت حساسی قرار دارید، از یک طرف سهمی مثبت و مؤثر در حرکت اخیر علیه آمریکا داشته و مردم ستمدیده

● کمیسیون رسیدگی به جنایات شاه از عناصری ساز شکار و وابسته به محافل امپریالیستی تشکیل شد. چنانکه ماهیت آن از دید محافل مترقی جهان و حقوقدانان آزادیخواه پنهان نیست.

و مبارز را آگاهی‌های تازه و شور و امید بخشیدید. و زمینه را برای یک بسیج توده‌ای علیه شیطان و پایگاههای آن و برای سازندگی فراهم کردید، از طرف دیگر نتوانستید جویبی از این حرکت دفاع و حراست کنید و اکنون سازگاران دست‌آوردهای شما را خنثی و بی‌محتوا می‌سازند - ارتش ۲۰ میلیونی در غیاب یک مبارزه جدی علیه دشمن به یک نمایش فاقه انگیزه تبدیل خواهد شد - جوانان مبارز و مسلمان با در خصلی زود از ارتش بدون انگیزه‌های عینی خویی از لحاظ ذهنی هم خالی و تهی خواهند شد. نهضت سوادآموزی شور خود را از دست داد و توسعه نیافت. زیرا سازگاران دشمن را نهان و مبارزه را سرد و به مذاکره تبدیل کردند. مقاومت و صبر انقلابی، روزه‌داری، بسیج و سازندگی، وقتی دشمن پیش رو نباشد، ضرورت جهاد و مقاومت و فداکاری، همه بی‌معنا می‌شود. ابتدا فقط در ذهن باقی می‌ماند و سپس کلی ارزش خود را از دست داده همانند فعالیتها و نمایشهای آریامهری قالبی و تصنعی شده تنها بدر نمایش‌دادن و وسیله‌ای در دست فرصت‌طلبان و داوطلبان قدرت و موقعیت قرار خواهد گرفت. کمیسیون

انتشارات جنبش مسلمانان مبارز (قسمت آخر)

۱۱- مصاحبه مطبوعاتی جنبش مسلمانان مبارز (۱۳۵۸/۸/۱۰) جنبش مسلمانان مبارز از آنجا که تضاد خود را با امپریالیسم و پایگاههای داخلی آن (امپریالیسم، ارتجاع، سرمایه‌داری وابسته، بازمانده‌های فئودالی، بخش‌واست) ارتش و سیستم اداری ضد خلقی و ...) تضادی آشتی‌ناپذیر بدانسته حل آنرا جز با نابودی این پایگاهها نمیدانند از اینرو بعلت رد کردن هرگونه باج‌خواهی مستقیم و غیر مستقیم عناصر پایگاههای یاد شده مورد محاصره تبلیغاتی این اتحاد شوم گردید بویژه در این میان رادیو - تلویزیون فظی و مطبوعات انحصاری حلقه، محاصره را تشکر گرفته یا از چاپ بیانیه‌ها و اعلامیه‌های تحلیلی "غیر شعاری" جنبش مسلمانان مبارز خودداری کردند و یا آنها را فحشی قطعی - گری و انحصارطلبی، بروفق مراد خود، باره بهره و چاپ و منتشر کردند برای شکستن این نوطه سکوت با تحریف، جنبش مسلمانان مبارز این بار مستقیماً با مردم خود رو سا روی به گفتگو نشست که حاصل آن همیسی

رسدتی به جنایات شاه از عناصری سازگار و وابسته به محافل امپریالیستی تشکیل شد. چنانکه ماهیت آن از دید محافل مترقی جهان و حقوقدانان آزادیخواه پنهان نیست.

● لازم بود قبل از هر چیز و پیش از آنکه افشاکاری جنبه خاص پیدا کند، تمام ابعاد سیاست تجاوزکارانه آمریکا را بر ملا سازد. ● اقدام شما اذهان را برای یک بسیج توده‌ای علیه مواضع امپریالیستی آماده ساخت، شور جهاد و فداکاری اوج گرفت.

انتهامات مختلف مصمماند تا شما را مژوی کنند. انتباهاتی که سازگاران به عناصر انقلابی و به کار شما وارد می‌سازند بهترین منظور صورت می‌گیرد.

آیا مبارزه، برای آن بود که کاربر انقلاب ایران را برسمت بیاورد و اجازه دهد کمیسوسی جنایات شاه را رسیدگی نماید. آیا تضاد شیطان بزرگ با خلق ما و انقلاب اسلامی ما به اینطریق حل می‌شود، آیا اظهارات مقامات آمریکائی را نباید جدی گرفت و این سازش‌گرایی آینده و سرنوشت انقلاب خطرناک نمی‌دانند؟ شما چه خواهید کرد؟ در فرصت کوتاهی که برای شما باقی مانده چگونه ضعفها و نارسائیهای گذشته را جبران و چگونه حرکت اصل خود را بیابان می‌سازند؟ برای خروج از بن‌بستی که سازگاران در حال ایجاد آن هستند و عدم قاطعیت، عدم وحدت و سرعت عمل شما به آن کمک کرد، چندانیشای دارید؟ آیا شما هم به محکوم کردن نمایشی اعمال آمریکا و گرفتن اجازه از کارتر برای تعقیب شاه مبارزه ضدامپریالیستی را بیابان یافته و خصومت و دشمنی با شیطان را تمام شده اعلام خواهید کرد؟ در اینصورت این فرمان امام که گفته مبارزه با آمریکا باید تا قطع کامل وابستگیهای اقتصادی - سیاسی - نظامی ادامه یابد چه خواهید کرد؟ و آیا باید اجازه داد اروپا دلال وابسته به آمریکا برای مدتی جلوی سن ظاهر شود و جلودار امپریالیسم در ایران شود، آیا در برابر امیدی که در دل خلق شعله‌ور ساختید، مسئولیتی جدی احساس نمی‌کنید؟ مطمئن هستیم که پاسخ شما مثبت است. در این صورت پیش از آنکه آرام و بی‌سروصدا این سنگ مبارزه ضدامپریالیستی را از جنگ شما خارج کنند و پیش از آنکه جاسوسان آزاد، و مبارزه شما بکلی مخدوش و اقدامان بی اعتبار گردد، بیش از آنکه رابطه‌مویوندتان را با توده بکلی قطع و اذهان مردم را متشو و منحرف و مسموم سازند، و بیش از آنکه اسناد گرانبها و آگاهی‌دهنده مانند سایر اسناد موجود در کشور در انحصار سازگاران درآید، اقدامی قاطع بعمل آورید و وفاداری خود را به خط سازش‌ناپذیر امام ثابت نمائید - مهم نیست که کار را تا کجا پیش ببرید - مهم آنستکه تا آخرین لحظه قاطع، سریع، شجاعانه، انقلابی و آشتی‌ناپذیر و استوار عمل کنید - می‌بینید که علیرغم تبلیغات مسموم علیه مبارزه مقدس شما خلق مبارز باز از حمایت دست نکشد - باید دید شما در برابر این شور و ایمان و خواست توده چه خواهید کرد. والسلام

مردمی‌اش محروم و سیر از بد انزوا کشاندن آن - ضربه خلاص را بروی وارد سازید.

لکن شما برادران عزیز استنباطی مریک شدید و در طرز عمل شما نارسائیه وجود داشت که جویبی از طرف سازگاران و محافل وابسته به امپریالیسم مورد استفاده قرار گرفت.

این استنباطات و نارسائیه را باید در موارد زیر جستجو کرد:

اولاً - در نحوه افشاکاری دقت لازم بخرج داده نشد - لازم بود قبل از هر چیز و پیش از افشاکاری جنبه خاصی پیدا کند. تمام ابعاد سیاست تجاوزکارانه آمریکا را بر ملا سازید - لازم بود بر طبق یک برنامه پیش‌بینی شده و بطور منظم اسناد مربوط به فعالیتها و نوطه‌ها و دخلت‌های آمریکا در اریس، در سیاست داخلی، و در مسائل منطقه، در شئون اقتصادی و فرهنگی - افشا و در معرض آگاهی مردم گذاشد شود.

ثانیاً - در افشای یک جریان به یک مورد خاص اکتفا نکرده - کل جریان و همه ابعاد دخالت آمریکا، گنوده شود تا توهم اعمال فشار و نفوذ و با غرض خاصی نسبت به یک گروه مورد نظر پیش نیاید - مثلاً بجای انتشار تک‌تک اسندهای مربوطه به مطبوعات - کلیه اسنادات مداخله‌گرانه آمریکا در امر مطبوعات یکجا افشا شود.

با در افشای جریان سازگاری اولویت به آفشاکردن و معرفی جریان‌های ضدانقلابی داده شود و نام اشخاص تنها در رابطه با جریانی که افشا می‌شود برده شود، نه آنگونه که مثلاً در مورد یکی از نامزدهای ریاست‌جمهوری جداگانه و ناگهان در شب رای‌گیری، ارائه گردید.

این نحوه افشاکاری "موردی" و "مناظر از هدفهای خاص یا احیاناً" فشارهای خاص - بر اعتبار کار شما و اسناد و جریان افشاکاری لطمه شدید وارد ساخت.

ثالثاً - کار افشاکاری با کندی بسیار پیشرفت کرد بخصوص مردم را افسرده و دل‌سرد و دچار تردید می‌ساخت، در حالیکه با توجه به نوطه‌های وسیع سازگاران و محافل وابسته به آمریکا علیه شما می‌بایست با اغتمام فرصت، اسناد را دسته‌دسته و بی‌دردی از وسایل ارتباط جمعی رادیو - تلویزیون، مطبوعات و با بصورت مستقل در جزوات متعدد منتشر سازید - شما بعکس آنقدر در افشاکاری تغل بخرج دادید که تصور می‌شود فرصت از کف شما خارج گردیده و مردم شانس آگاه شدن از کلیه اسناد را که حاوی اطلاعات دقیقیتی است از کف می‌دهند. در افشاکاری نمی‌بایست تنها اسنادی را که با سبیل و جریانات سیاسی ارتباط دارد مطرح می‌گردید، بلکه لازم بود اسناد مربوط به سایر مسائل - هر اندازه بظاهر بی اهمیت را هم منتشر می‌ساختید.

رابعاً - ما بدرستی نمی‌دانیم که در جاسوخانه اسنادی درباره مداخله آمریکا در ارتش یا ادارات و در شئون اقتصادی یا سایر نهادهای جامعه وجود دارد یا نه، اما بعید است که در این زمینه اسنادی بجای مانده باشد. مردم سؤال می‌کنند چرا این اسناد منتشر نشد؟ این سئوالها به نوبه خود بر اعتبار و همچنین تاثیر مثبت اقدام شما اثرات نامطلوب برجای گذاشته است.

خامساً - بعد از یک دوره کوتاه برخورد فعال با مسائل سیاسی و افشاکاری، تدریجاً به موضع انفعالی رفته و از تهاجم مدتها از انتشار هرنوع سندی خودداری شد و شایعات منتشره در این میان با توجه به سکوت و برخورد غیرفعال شما، باز هم اهمیت اقدام شما را کاهش داد.

مجموعه است. این مجموعه در ۴۴ صفحه بقطر رفعی چاپ و منتشر شده است.

۱۲- وحدت درون خلقی، جنبش مسلمانان مبارز که از همان پیروزی انقلاب بر استبداد کودتا خواهان وحدت درون خلقی بوده بر این عقیده نیز استوار بوده است که نوطه‌های ضد خلقی امپریالیسم و پایگاههای متحد داخلی آنرا جز از طریق وحدت درون خلقی نمیتوان خنثی کرد. مواضعانه ابتکار تشکیل جبهه، وحدت علیه استبداد، استمرار و استوار ماندن وحدت درون خلقی، مبارزه بر آن تاکید داشته است (که امام امت تا آنها با لبیک خود، زمینه، این وحدت را بین نیروهای انقلابی مسلمان (که امام امت همواره بر آن تاکید داشته است) فراهم سازند تا در این گذرگاه زمیسه شکست کامل جرنومه‌های فساد امپریالیستی را نه تنها در سطح داخلی، که در سطح جهانی، فراهم آور نو قسمتی از سلسله بحثهای این جلسات بقیه در صفحه ۵

نام ابوذر را از که آموختید؟ دو خاطره از شهیدی از تبار ابوذر

بلند گوی بند خاموش شد و جنب و جوشی بین بچه‌های بند شروع شد، همه سلولها صحبت از این بود که "بالاخره دادگاه اولشان تشکیل شد..."

صبح زود مثل همیشه، بچه‌هایی که فرار بود "دادگاهی" شوند زودتر از همه صبحانه خوردند و رفتند به "دادگاه" همه صحبت از این میکردند که "چه مینه...؟" "طرح دادگاهها که خیلی بالاست... نه بابا... بچماند... معمولاً" "دادگاهی" ها نا ظهر وگاهی کمی دیرتر برمی کشند. اما این بار از ظهر گذشت. ساعت دو و سه هم گذشت و اما باز نیامدند، نایبکه حدود ساعت چهار بعد از ظهر بود که زنجیر در آهنگی و بند بعد درآمد و باز شد. همه میدانستند که در این ساعت چه کسی وارد بند میشود بخصوص که امروز بچه‌ها دادگاه داشتند. دربار شد. خودش بود. آخر او تنهاصوی از شن نفر بود که در بندیک زندانی بود.

باز هم لنگ لنگان، اما باهامان لبخند همیشگی که نمایانگر رضایت ابدی بود وارد بند شد. از همان زمانی که پیش نبرخورده بود همیشه می‌لنگید اما روحا "دمی هم" نلنگید که "نلنگید!"

— چی شد؟
— چی گرفت؟
— آید؟
— هان؟
— چی شد؟
.....
منهم دویدم که:
چی شد... چی گرفت؟
از بین قیافه‌های بچه‌ها نگاهی رانفودداد وازهم با لبخند همیشگی و با آن مصومیت وازبشت عینک چهارچوبه سیاه خود، مصومیت کرد — نگاهی که تصمیم گره خورده آن کوه ها را از جامیند، آنچنان مصمم و خوشحال بود که گوئی دنیا رایه او دادماند، درست مثل این بود که دادگاه را به محاکمه کشیده وبرگشته است، یا دنبال چیزی بود که همین امروز آن را پیدا کرده است.

پیش خود گفتم لابد عفو خورده یا بعلت سفر سن چند ماهی را در زندان خردسالان نگهش میدارند تا پس از "ادب شدن" آزادش کنند، بانه اصلاً گفتند که "این بچه‌ها را چرا گرفته‌اید؟ اما نه، زبانم لال مگر رژیم جلاد از این کارها بلد بود؟ مگر آنها آغاز کوچکترین حرکت انقلابی را پایان مرگ خودشان نمی دیدند؟ چرا، آنها بهتر از همه دشمن خود را می شناختند آنها خوب میدانستند که "میان آنها و خلق" دریائی از خون نهفته است" "نه نباید عفو خورده باشد نباید به این سادگیها رهایشان کرده باشند.

ها؟ چی شد؟ چی گرفت؟
باهامان استواری کوه لبخند کتان دست راستش را بالا برد، باسه انگشت اشاره کرد: سه بار اعدام...!

* * *

..... نزدیکیهای ده صبح بود، بیشتر بچه‌های بند، رفته بودند هوا خوری یا

ضرورت حمایت از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

دانشآموزان هوادار "جنبش مسلمانان مبارز در سراب"

دانشآموزان هوادار "جنبش مسلمانان مبارز" در سراب ضمن حمایت از عمل دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، خاطر نشان ساختند که:

تصرف لانه جاسوسی آمریکا با دستهای پرتوان شما ضربه بزرگی بود بر امپریالیسم و عوامل وابسته بان. ما دانشآموزان مبارز سراب صریحاً پشتیبانی خود را از افکار گریهای به حق شما مبارزان منعقد اعلام می‌داریم و از شما می‌خواهیم که قاطعانه همچنانکه شایسته خط امام می‌باشد به افکار گریهای خود ادامه دهید. هر چند که می‌دانیم تحت فشار عناصر لیبرال، مرتجع و... می‌باشید و متذکر می‌شویم تا زمانی که امام و امت مسلمان ایران شاعر عزیزان را تأیید می‌نمایند، هیچ مقامی حق دخالت در امور جاسوخانه آمریکا را ندارد و در ضمن از مقامات مسئول می‌خواهیم که هر چه سریعتر آقایان جاسوسها و روزنامه‌های افشا شده را به سزای اعمالشان برسانند.

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی مسلمان به رهبری امام خمینی ناپود باد عوامل وابسته به آمریکا یعنی لیبرال، مرتجع و...

انجمن دانشجویان مسلمان ایرانی در برلین غربی

انجمن دانشجویان مسلمان ایرانی در برلین غربی ضمن پشتیبانی قاطع خود از حرکت انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و اینکه حملات و دشنامهای عوامل سرسپرده امپریالیسم آمریکا در داخل و از طرفی تهدیدهای گوناگون جناح لیبرالیسم و مرتجعین که به خواهران و برادران پیرو خط امام وارد می‌شود، یادآور شده‌اند که:

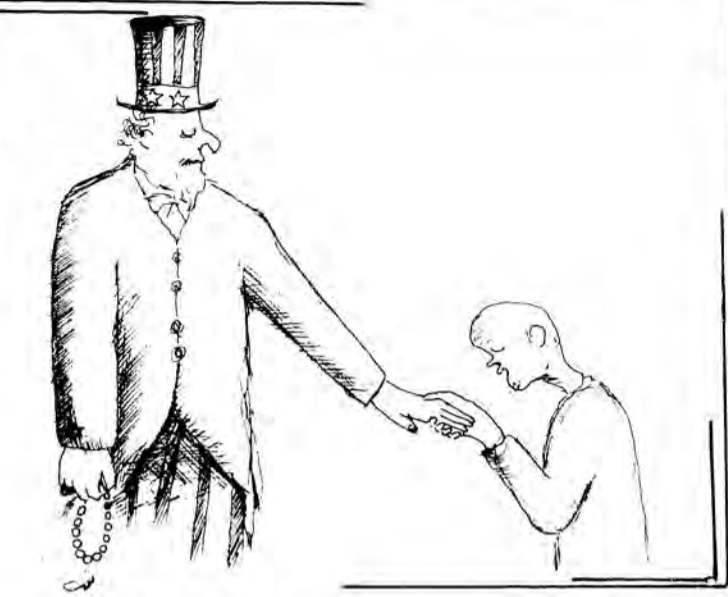
"یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران ماهیت ضد امپریالیستی آن بود که متاسفانه بوسیله دولت لیبرال و غیر انقلابی بزرگترین ضربات را خورده‌است. سازشکاری و مآشات سیاسی که از طرف دولت موقت لیبرال و برنامه سیاسی خارجی‌اش دنبال می‌شد، در عمل انقلاب اسلامی کبیرمان را از قاطعیت و تداوم انداخته بود که بوسیله حرکت انقلابی شما دانشجویان عزیز داخل کشور در لانه جاسوسی آمریکا و رهبر عظیم‌الشان انقلاب، امام خمینی و توده‌های مردم از این عمل، توان و نیروی تازه‌ای به‌نهضت بخشید و سازشکاران و مرتجعین را به تنگنا کشانید.

... ما دانشجویان شاهد تبلیغات ننگین و دروغین مطبوعات و رادیو — تلویزیون غرب و مخصوصاً آلمان غربی هستیم که چگونه سعی می‌کنند شما فرزندان انقلابی را در اذهان ملت خود ضد خلقی و بعضی اوقات حتی تروریست جلوه دهند. و بعد از آنکه متوجه شدند که نمی‌توانند رهبر انقلاب و سی‌میلیون نفر را منم به تروریست بکنند، به گروههای کمونیستی منم کردند و همزمان با این تبلیغات از بعضی از اعضای لیبرال و سازشکاران دولت موقت و حتی شورای انقلاب حمایت کرده و سعی می‌کنند این اشخاص را در اذهان ملت خود طرفدار حقوق بشر و دمکرات نشان دهند.

... ما از شما مصرا نه درخواست می‌کنیم که افکار گریهای خود را ادامه دهید و از عریده‌های آمریکا و تهدیدهای جناح — های لیبرالیسم سازشکار و مرتجعین نهراسید و همچنان در پشت سر امام خمینی رهبر آگاه و سازش‌ناپذیرمان، حرکت انقلابی خود را ادامه دهید که خداوند با شماست."

دانشجویان هوادار "جنبش مسلمانان مبارز" در دانشگاه ملی

دانشجویان هوادار "جنبش مسلمانان مبارز" در دانشگاه ملی ضمن حمایت از دانشجویان مسلمان خط امام و اینکه دادگاه خلق را عالی‌ترین مرجع قضاوت دانسته‌اند، که هر چه سریعتر قبل از آنکه سازشکاران بر کلیه ارگانها مسلط شوند، اسناد خیانت لیبرالها و متحدین مرتجعشان را تکثیر کرده و در اختیار خلق رزمنده قرار دهند و یادآور



چه کسانی زمینه‌های کودتا را فراهم می‌سازند؟

انفجارهای مستمر لولمهای نفت و گاز در خوزستان کار کیست؟

یکی از ابعاد مبارزه امپریالیسم آمریکا علیه حکومتها و دولتهای مترقی و مردمی، توسل جستن به کودتای نظامی است. طبعاً استفاده از این شیوه مستلزم داشتن پایگاه نیرو و نفوذ در ارتش است. اما شرط موفقیت و پیروزی حکومت کودتاگر وجود زمینه و پایگاه در میان افشار و گروههای خاص می‌باشد. تنها در صورت تکیه بر یک پایگاه اجتماعی که از نظر ذهنی پذیرای یک قدرت مسلط و راسخ شوند، کودتا و روی کار آوردن یک حکومت امکانپذیر می‌شود.

کودتایی که عکس‌العمل و مقاومتی سراسری و همه‌جانبه را بر نیانگیزد بلکه حتی طرفدارانی هم داشته باشد. امپریالیسم نجاوگر آمریکا که به منظور جلوگیری از مرگومیر زندگی زودرس دست به اقدامات نهاجمی علیه انقلاب اسلامی ایران زده است در این بعد از مبارزات و توطئه‌های خود و آزمون این شیوه از مقابل با رشد و گسترش انقلاب در دوزیمه عینی و ذهنی کار می‌کند.

الف) در زمینه عینی: نا امنی و هرج و مرج، کشتار و درگیری، نزاع‌های قومی — قبیله‌ای، تشنجات شهری یعنی مجموعه عملها و رفتارهایی که پیوسته تشویش و نگرانی در توده مردم ایجاد می‌کند، گوشه‌نمایی است که عوامل و ایادی سرسپرده رژیم کدشته یعنی ضدانقلاب با هدایت و سازماندهی عناصر ماساد اسرائیل و سای آمریکا در ایران انجام می‌دهند.

بهم خوردن نظم اجتماعی و از بین رفتن آرامش عمومی در سطوح و مناطق مختلف کشور و با شیوه‌های گوناگون صورت میگیرد. این سلسله اعمال در مجموع و بتدریج قشرهای مختلفی از مردم را به اعتراض به عدم وجود امنیت وامی‌دارد بر این اساس، یکی از اهداف آمریکا در رشد هرج و مرج و نا امنی نگاه به صورت درگیری شیعی سنی، گاهی با پرتاب نارنجک و زمانی با انفجار لولمهای نفت و گاز، و یا به شکل چماق بدستان و اشغال رادیو تلویزیون و به حمایت از مراجع و طرق دیگر صورت می‌گیرد، نشان دادن وجود جو ناسالم و منسجن و ناآرامی که ارگانهای اجرائی موجود و حاکم، توانایی مقابله با آنها را ندارد می‌باشد. بر همین اساس در زمان پیش از انتخابات در قم که قلب و مرکز هدایت انقلاب می‌باشد و تبریز که نقش حساس و تعیین کننده دارد، آن اعمال صورت گرفت

شده‌اند که: "آن بخش از لیبرالها که رسوا شده‌اند، هنوز در صحنه حضور دارند و وقیحانه کوشش می‌نمایند تا ساعتها در رادیو تلویزیون پیروزی خلق بر استبداد را نتیجه مذاکرات پشت پرده خود یا نمایندگان امپریالیسم خونخوار قلمداد کنند و خیانتهای خود را خدمت به خلق و اسلام تفسیر کنند و بدین ترتیب قطع جریان افشارگریها را از رادیو تلویزیون با شرکای لیبرالشان جشن بگیرند. اینان چنین تصور میکنند که اگر ابالات منسجده به اشتباهات خود در ایران اعتراف کند و قول دهد که در امور داخلی مداخلت نکند، کار مبارزه با امپریالیسم پایان می‌یابد و ما به استقلال کامل میرسیم. در حالیکه امام سخنگوی امت در آخرین پیام تاریخی خود گفتند که مبارزه باید تا قطع کامل وابستگیهای اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی دنبال شود و سازش را بشدت محکوم کردند و خواستند تا مردم سازشکاران را در هر کجا و مقام که هستند رسوا کنند."

بها باید منتظر خرابکاریها در گوشه و کنار مملکت و بخصوص در خوزستان بود، انفجارها، اقداماتی کوچک در این زمینها!

البته مسلم است، شرط موفقیت این برنامه و این راه حل در عدم توانایی رئیس جمهور و دولت آینده در حل تضادها و اختلافات و مشکلات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی جامعه نهفته است. و اگر همانگونه که ادعا شده است برای این مشکلات و برطرف ساختن بحرانها و تداوم بخشیدن به انقلاب برنامه و طرحی اصولی و انقلابی وجود داشته باشد، شکست آن سیاست و آن توطئه آمریکایی حتی است. اما مسئله و ابهام همین جاست، که با توجه به خطراتی که انقلاب را تهدید می‌کند و عوامل داخلی که در ابعاد مختلف مشغول شکل و در پی توطئه می‌باشند. آیا دولت آینده با شناختن این خطرات و بر اساس تحلیلی واقع بینانه و برنامه‌های مشخص روی کار خواهد آمد و توان حل تضادها در جامعه که دقیقاً ارتش، اقتصاد و سیاست را در بر می‌گیرد دارد یا نه؟

تبادل ارزشها در جامعه توحیدی

بقیه از صفحه اول

● مالکیت انحصاری و استثمار بزرگترین سلاح و عامل استضعاف بوده و هستند.

وظایف از یکدیگر جدا نبوده - مستقل از هم قابل تحقق نیستند. جامعه توحیدی یک نظام پیوسته و هماهنگ و ارگانیک است که همه ابعاد آن متوجه تامین یک هدف بیشتر است و آن هدایت امت واحد بسوی عالیترین مراحل تکاملی حرکت و ضرورت بطرف اللد است.

بدیهی است چنانکه از لابلای آیات قرآن و رسالت انبیا بر می آید و چنانکه تاریخ بشر گواهی می دهد یکی از بزرگترین موانع راه بشر، فقر مادی و بیدادستی و استثمار بوده است که معلول حاکمیت مستکبرین است، مالکیت انحصاری و استثمار بزرگترین سلاح و عامل استضعاف بوده و هستند. مستکبرین برای حفظ ایندو عامل به مذهب پناه می آورند. مذهبی ساختند ذهن و تمایلات خویش و موانع و محال فریدی و طبقاتی، و آنرا در مقابل مذهبی که منعکس کننده واقعیت هستی است علم می کردند و بر مردم تحمیل می نمودند. بشر زیر فشار فقر تن به اطاعت و تبعیت از مستکبرین می دهد و ارزشهای انسانی خویش را فدا و قربانی می کند و مستکبرین گامین ارزشهای بزرگترین دشمن خود می بینند سخت بآنها خصومت و عداوت می ورزند.

مشتاقان قدرت و سرمایه با تمام قوا به محو این ارزشها می پردازند. تمرکز پول و زور در دستهای مستکبرین نان و آزادی را از خلق می گیرند و انسانها را برده می سازند و حقایق را مسخ و مردم را استثمار می کنند. از این رو مبارزه با مالکیت و حاکمیت مستکبرین در صدر برنامه و رسالت انبیا الهی قرار دارد. با نفی این مالکیت و حاکمیت بشریت از یوغ اسارت و مستغری و بردگی آزاد می گردد و استعدادهای خدایی وی که زیر فشار سنگین استبداد و تزویر بیجان و پنهان مانده بود شروع به تجلی و رشد و نمو کرده - حرکت تکاملی از سر می گیرد - "الذین یبعثون الرسول لئلا یاتوا الا فی الذی اذی یجدونه مکتوبا" عندهم فی- التورته والانجیل با مرهم بالمعروف و بینهم عن المنکر و نحل سهم الطیبات و یحرم علیهم اللصاوت و یضع عنهم اصرهم والاغلال الی کانت علیهم - فالذین آمنوا به و غروره و نصره التبعوا النور الذی انزل مع اولئک هم المصلون".

آنانکه رسول پیامبر امی را پیروی کنند که او را نوشته در تورات و انجیل نزد خود می یابند و او را نافرمانی نکنند چیزیهای پاک را بر انسان حلال و پلیدیها را حرام و بارهای سنگین و زنجیرها را از ایشان بردارند پس آنانکه به او ایمان آورده از جنتش دارند و بارش کنند و پیروی کردند نوری را که با او فرستاده شد، آنان پیروز و رستگارند. "چنانکه امام علی بن ابیطالب در شرح علت ظهور انبیا فرموده است: "وواتر- الیهم انبیا" - لیستاهم و هم میناقط فطره و یذکروهم منیتی نعمته و یحتجوا علیهم بالتلیغ و ینبئو لهم دقایق العقول و یروهم الایات المقدره ۸۰

خداوند پیامبران را بسوی آنان بی دردی برانگیخت تا پیمان قطری خویش را ادا کنند - یعنی استعدادهای خلاق و خدایی را پرورش داده تکامل بخشند و به گماهی برسانند و نعمت فراخوش شده را بیادشان آورد - نعمت آزادی، خلاقیت و تغییر و دهندهی و یادگیری و شعور که خداوند به بشر بخشیده و انسانها در زیر سلطه حکومتهای مستغری و استثمار و استبداد همه را فراموش می کنند و از "خود" بیگانه می گردند و تنها وجود حیوانی در خاطرش و پیش چشانش باقی می ماند، آری خداوند با کمک انبیا این نعمت ها را بیاد انسان می آورد. قدرتی که برای تسلط بر طبیعت دارند - قدرتی که برای ساختن توانین و سنتهای هستی دارند، قدرتی که برای آزاد شدن از جبرهای طبیعت، عزیزه و جامعه دارند، قدرتی که برای رسیدن به گماهی وجودی در هر مرحله یعنی گذر از مرحله حیوانی به انسانی و رسیدن به گماهی وجود انسانی و سپس آماده شدن برای عبور به مرحله عالی تر حیات دارند - و از راه تبلیغ با ایشان به گفتگو بنشینند یعنی در هدایت آنان راه استدلال پیش گیرند - و عقلهای پنهان شده را بیرون آورند، و آیات و نشانه های قدرت را به انسان بنمایانند - یعنی ذهن و اندیشه انسانها را که اسیر اوام و خرافه و جهل و درد بند فقر و بدبختی و استضعاف است، آزاد سازند و حجاب جهل و خودبینی را از جلوی چشمان دل و شعور آنان بردارند، امکان دهد تا با حقایق آشنا شوند، نشانه ها و

دلایل و قدرت خداوند و نظم و آهنگ تکاملی خلقت را دریابند. این تعالیم هدفهای اساسی و ابعاد مختلف جامعه توحیدی را با صراحت و روشنی تعیین می کند. این تعالیم آن هدف اساسی که امت اسلامی در جامعه توحیدی بسوی آن در تلاش است می نمایاند - هدفتی که از بطن نظام خلقت و سنتهای جهان هستی خارج می شود - هدفتی که در پیشاپیش گاروان بشریت و در دوردستها قرار دارد و چون آهنربای نیرومندی همه ذرات هستی و از جمله انسان را بسوی خود جذب می کند.

هدف جامعه توحیدی برداشتن کلیه موانع اجتماعی - اقتصادی - سیاسی و فرهنگی - از جلوی پای انسان تلاشگر و تکامل یوست، انسانیکه در خط سیر سرنوشت خود از جبر بسوی آزادی مطلق در حرکت است و بقا و جاودانگی را در آزاد شدن از روستگی و بیوستن به گماهی مطلق جستجو می کند. نفی استثمار و از بین بردن طبقات استثمارگر و برقراری توحید اجتماعی گام بلند و اساسی و نخستین در آزاد کردن انسانها و جامعه انسانی است - برداشتن مانعی است که در راه آزادی اندیشه و روح بشر وجود دارد - آری برقراری عدالت، برابری و برادری و محو کامل استثمار و هر نوع سلطه و بهره کشی و مستغری تنها یک مرحله از تلاش تاریخی انسان برای آزادی و رفتن بسوی خداست - مرحله ای که بدون پشت سر گذاشتن آن - آزادی بشر تحقق نخواهد یافت و حرکت تکاملی انسان بسوی خدا میسر نخواهد گشت.

یکی دیگر از ویژگیهای اساسی جامعه توحیدی، از بین رفتن همه انواع اختلافات و تبعیضهای مادی، رفاهی و استفاده از فرصتهای زندگی است. در جوامع غیر - توحیدی، محیط زندگی در شهرها با محیط زندگی در روستاها متفاوت است، شهر - نشینان از امتیازات بیشتری برخوردارند و بعکس روستائیان از غالب فرصتها و امکانات مادی و معنوی محروم - مسکن - بهداشت، تحصیلات، وسایل و رشد و سلامت جسم و توسعه فکر و تکامل اندیشه و روح نابرابر تقسیم شده است.

شهر بر روستا حکومت می کند و روستا زیر استثمار شدید شهرنشینان است تا روستائیان از ارزش اضافی که تولید می کنند محروم بمانند - در شهر هم بین طبقات و قشرهای مختلف آن تفاوت آشکار وجود دارد. گارگران - که نیروی مولد جامعه هستند جزو محروم ترین اقشار بشمار می روند.

در جامعه توحیدی این تفاوتها و تبعیضها از بین می رود. ویژگی مهمتر در جامعه توحیدی مبارزه با آن نوع تخصصی است که بیک بعدی شدن انسان و بیگانگی وی منجر می گردد - در جوامع طبقاتی و سرمایه داری بویژه در مراحل رشد صنعت و فن هر دسته از مردم مجبورند تمام عمر فقط بیک کار اشتغال داشته - تنها در همان جهت معین ترین دیگر در این جوامع در هر فرد یا دسته افراد تنها یک استعداد و آنهم فقط در یک زمینه خاص پرورش می یابد، و بنحوی عمل می شود که افراد قادر نباشند جز بویضوع تخصصی خود بپندیشند و اطلاعاتی کسب کنند.

تقسیم کار فکری و یدی از خصوصیات جوامع طبقاتی در طول تاریخ بوده است. در یونان قدیم هم معتقد بودند بردگان - مردم بربر باید کار یدی کنند و یونانیان - هلن ها کار فکری. اندیشمندان برای حکومت کردن و جریان دادن - و فکر کردن آفریده می شدند و مردم عادی برای کار کردن - این تقسیم کار - تا به امروز حتی با شدت و عمق زیادتری برقرار است.

پیدایش و گسترش علوم اداری - سیاسی و رهبری جامعه بعنوان یک تخصص از ویژگیهای نظامهای طبقاتی است - بعضی درس می خوانند برای آنکه حکومت کنند - در مدیریت و رهبری و حکومت کردن متخصص می شوند و بقیه مردم که فاقد معلومات و تخصص و رهبری می باشند باید فرمان ببرند و اطاعت کنند - فکر کردن امری تخصصی می شود - صندوقدار بانک گارگر کوره یا مراقب قیوهای برق در یک کارخانه - شییدان و متخصص آزمایشگاه - هر یک فقط باید بکار خود بپردازند و در آن زمینه مهارت بیشتری کسب کنند.

سیاست و مدیریت و رهبری را به متخصصین واگذار کنند. و لذا در هر یک از زمینههای دیگر زندگی و حقایق جهان ناچار از تبعیت و تقلید می باشند، این از خود بیگانگی یا تک ساخته شدن انسان از جنایات بزرگی نظامهای غیر توحیدی نسبت به انسانیت است.

در جامعه توحیدی البته کسب مهارت در انجام یکوظیفه خاص نفی نمی شود و مشاغل از بین نمی روند - ولی هرگز اجازه نمی دهد زندگی فرد در تخصص خلاصه شود. اجازه نمی دهند سایر استعداد های یدی و فکری شخص مکتوم باقی بماند - بویژه چون زندگی و اداره و رهبری جامعه و

● فقر و محرومیت که سد راه حرکت تسییحی انسان بسوی خداست، بعنوان یکی از تمهیدات شیطان علیه انسان معرفی میشود.

● در نظام توحیدی نان و آزادی برای حرکت بسوی خدا و کسب ارزشهای عالی روحی و معنوی ضروری میباشند.

داده شود بعضی افراد فقط به امور مدیریت و رهبری و فرماندهی بپردازند - تدریجا" انگیزه قدرت طلبی و حفظ آن تقویت می شود بطوریکه حاضر باز دست دادن آن نخواهند بود و برای دفاع از قدرت بر مردم ستم روا خواهند داشت. خود برتر - بینی و جاه طلبی در این نوع مناسبات زمینه رشد دارد - نظام شورایی در جامعه توحیدی موضوع یک چنین تقسیم کار غیر انسانی را منتفی می کند مردم در وسیعترین سطوح اجتماعی مستقیما" در امر اداره امور خود شرکت خواهند کرد. دهقانان مستقیما" رهبری و اداره ده را برعهده می گیرند و توده در شوراهای محلی و کارگری و نظایر آن از درون این شوراها - و شوراهای سطح بالاتر بیرون می آید و تا می رسد به عالیترین شوراهای رهبری کننده کشور و چون اعضای شوراها به انتخاب مردم و در هر مرتبه تغییر می کنند خود بخود در طول زمان هم مردم با شانس مساوی در امر رهبری جامعه در تمامی سطوح شرکت داده می شوند.

از آنجا که بحث تفصیلی در باره سایر ویژگیهای نظام توحیدی را بیعد موکول کردیم - لذا به اشارهای کوتاه به دودیک از اصول پایایی آن اکتفا شد.

والسلام

سیاست به همه مردم مربوط است و بر عهده همگان می باشد هرگز نباید اجازه داد بعضی مردم یکسره به کار جسمی معینی مشغول شوند و بعضی دیگر در تمام عمر دستان با بیل و گلنگ و چکش و سندان، پیچ و مهره، داس واره آشنا نشود، انسان در جامعه توحیدی در همه ابعاد وجودیش باید رشد کند و بویژه بعد فکری و روانی انسان اهمیت سزایی دارد - خیانت است اگر توده ها را با مجبور کردن به کارهای یدی از فکر کردن و از پرداختن به مسایل دیگر زندگی و از جمله ایده تولوجی بازداریم. کار بدنی و یدی برای همه مردم لازم است و کار فکری هم برای کسانی که به کارهای فکری اشتغال دارند ضرورت دارد که بخشی از سال را در کار تولیدی بگذرانند و فعال شرکت تولیدی در دست نیست که بعضی فقط تولید کننده و بعضی مصرف کننده مواد باشند. بالاتر از آن امور مدیریت و رهبری فکری است که هرگز نباید تخصصی شود - در جامعه توحیدی عصر پیامبر در مدینه - همه مؤزمان در امر اداره جامعه - اداره شهر و فرماندهی سپاه و آموزش و تعلیم و مکتب و نظایر آن مشارکت داشتند و این وظیفه به نوبت به افراد مختلف واگذار می شد. اهمیت این مسئله بقدری است که اگر از آن غفلت شود جامعه با سرعت بسوی طبقاتی شدن میل خواهد کرد. اگر اجازه

انتشارات جنبش..

بقیه از صفحه ۳

بر واضح است که نقطه آغاز مبارزه را پاسخ به این سؤال تشکیل می دهد که "چرا انسان متعهد و مسئول است؟" اگر بتوانیم سؤال را بگونه ای طرح و بگونه ای پاسخ دهیم که در مختصات هستی سئوال و پاسخها جایگاه شایسته خود را آنچنان پیدا کنند که خود را جز برای مبارزه ندانیم میتوانیم با اطمینان کامل مبارزه را استقبال نمائیم و تکامل را جز از روند مبارزه جستجو نکنیم. پاسخ این سؤال را در کتاب یاد شده

می خوانیم. کتاب در ۱۱۶ صفحه و بقطع رقعی چاپ و بارها تجدید چاپ شده است. ۲۲- مانی سنجش ارزشها " چرا انسان متعهد و مسئول است؟" زیرا برای انسان هدف و ارزشها مطرح است. این ارزشها از کجا ریشه می گیرند و معیار آنها کدام است؟ پاسخ را در "مانی سنجش ارزشها" جستجو می کنیم این کتاب در ۱۸۰ صفحه (بقطع رقعی چاپ و تجدید چاپ شده است.

۲۳- برداشتهای درباره فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن شناخت مسئولیت و نقش آن در مبارزات اجتماعی و اصول و مبانی ارزشهایی که پشتیبانی این تعهد و مسئولیت می باشد ایجاد می کند هر فردی که ادعای حرکت مکتبی دارد نظرها قرآن را نسبت به تاریخ و حرکت آن بدست آوردن با ارزیابی خود در مختصات تاریخی، نقش خود را در هستی به کمال و تمام ایفا نماید. این بحث عمیق و تعیین کننده- ایده تولوجیک بصورت مجموعه ای تحت عنوان یاد شده در ۲۱۵ صفحه - بقطع رقعی چاپ و منتشر شده است. هم اکنون آخرین چاپ این کتاب در دست اقدام است

۲۴- حیات و مرگ تمدنها. شناخت فائوندهای حرکت تاریخی و بویژه حیات و مرگ تمدنها از نظر خود مکتبی از آنجا که نقش تاریخی او را با و باز مینمایند نقش تعیین کننده ای در زندگی مبارزاتی او دارد. چه اگر تغییر تاریخ و تاریخ سازی در مجموعه جهان بینی و ایدئولوجی آدمسی جایگاه شایسته خود را پیدا نکند دست کم هر چند گاهی او را از راه به بیراهه و احمقانه حیرت و سرگردانی می کند. این بحث در مجموعه "حیات و مرگ تمدنها" بصورت کتابی در ۱۶۸ صفحه و بقطع رقعی اخیرا" از زیر آخرین چاپ درآمده است. چاپ قبلی کتاب در قطع وزیری بوده است.

۲۵- برداشتهای درباره مالکیت، کار و سرمایه با گذشت زمان و برهم خوردن هرچه بیشتر تعادل عرضه و تقاضای منابع، بالفعل و بالقوه کره حیات و حل مسائل اقتصادی در هر حرکت انقلابی، اولویت درجه اول پیدامی کند و این امر است طبیعی. اگر مبارزی مکتبی نداند مکتب او از مالکیت و کار و سرمایه یا عمده ترین عوامل تولیدی چه

۲۰- ویژگیهای رئیس جمهوری اسلامی چیست؟ (از انتشارات هواداران جنبش مسلمانان مبارز - کرمان) ۱۲ صفحه، نقل از هفته نامه" امت". ۲۱- تحلیل یک برگردمهای جنبشهای آزادیبخش در تهران (از انتشارات هوا - داران جنبش مسلمانان مبارز - تبریز) ۴۶ صفحه، قطع رقعی. ۲۲- چرا انسان متعهد و مسئول است؟

بقیه در صفحه ۸

انتقامجویی سازشکاران و مرتجعین از مبارزین و انقلابیون

اطمینان ما به نسل جوانی است که برچم خونین انقلاب را بدوش میکشند و میدانیم که این نسل لکه تاریکی در زندگی سراسر شکنجه و زندان و ایشار و شهادتش ندارد.

روز پنجشنبه ۵۸/۱۲/۲ در آغاز جلسه جنبش مسلمانان مبارز برادر دکتر حسن افتخار ضمن شرح نوطه سازشکاران و مرتجعین علیه انقلابیون، برده از انتقامجویی آنان از برادر دکتر پیمان برداشت. که منن خلاصه و توضیح شده سخنان برادر دکتر افتخارا برای اطلاع همه مبارزان از جریان نوطه سازشکاران و مرتجعین انشار میدهم.

پس از ماهها نقد و بررسی و تحلیل از جریان سازشکاران و مرتجعین که از جانب جنبش مسلمانان مبارز انجام گرفت و حرکت انقلابی خلق مسلمان و افشاگریهای دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، برده از اعمال و بیش سازشکارانه لیبیرالها و عناصر وابسته و حامیان امپریالیسم برداشته شد و شعارهای بی محتوای آنان و ظاهر آراسته شان برای توده مردم روشن گردید و رنگ حسای آنان که رنگ سرمایه داران و زورمندان را دارد، ماهیتاتی را وانمود، با اوچگیری حرکت انقلابی خلق، عناصر وابسته بجریمان سازشکاران و مرتجعین به وحشت و هراس افتادند، که قبول برکناری و رسوائی برایشان دشوار بود، از اینروندان کینه و انتقامجویی خویش را نشان دادند. در این شیوه نوطه پیمان بود که از روزهای قبل، ابتدا با پیغامها، تلخها و تهدیدها سعی کردند تا او را مورد تهدیف و تملیح قرار دهند. ابتدا میوم دادند که دست از اینهمه تکیه بر لیبرالیسم و جریان سازشکاران بردارید و گرنه مورد تهاجم سخت قرار خواهید گرفت و... ما همه این تهدیدها را شنیدیم و خود را آماده کردیم چرا که در نهایت، اطمینان و ایمان برادرمان پیمان و همه اعضاء جنبش مسلمانان مبارز به آنچه است که انتخاب کرده ایم و در این راه زنده ای می طلبیم جایگزینی نظام ارتشی توحیدی است و ما کسب مقام و قدرت، اطمینان ما به نسل جوانی است که برچم خونین انقلاب را بدوش میکشند و میدانیم که این نسل لکه تاریکی در زندگی سراسر شکنجه

و زندان و ایشار و شهادتی ندارد. لکهای تاریک و ابهام آمیز و اعمال تنگنویس برداشتن کسانی نیستند که امروز ماهیت سازشکارانه و مرتجعانه آنان آشکار شده است، کسانی که در آن لحظات خون و قیام، شهدای ما در خیابانها فریاد مرگ بر آمریکا برمی دادند و بدون کمترین ترس و وحشتی در مقابل گلوله دشمن در راه حق آگاهانه و عاشقانه جان می بخشیدند، این سازشکاران در پشت درهای بسته با سولیوان و هایزر و... می نشستند و برمی خاستند و شورای سلطنت تعیین میکردند دستور میگرفتند، امروز هم که پرده از سیاست ممانت و سازشکارانه آنان برداشته شده است، چارهائی جز نوبت واقفرا و نوطه علیه انقلابیون و مبارزین را ندارند.

کسانیکه امروز از فضای اسناد جاسوسخانه آمریکا بدست بوحشت افتاده اند، همانها تکیه رفتند و اسناد جاسوسخانه شاه را در همان روزهای اول پیروزی انقلاب زیر نفوذ و سطره خودشان درآوردند، تا روزی بر علیه نیروهای انقلابی مسلمان نوطه کنند حکم روی این پرونده ها نشسته اند، چون میدانند که اگر تمامی این اسناد فاش شود، چه کسانی رسوا خواهند شد. عناصر سازشکار و مرتجع اخیرا از میان پرونده قطور برادرمان دکتر پیمان در ساواک تهران که در اختیارشان است، دو صفحائی را که نه اسم دارد و نه شماره بخش کرده اند و بخیال خود انتقامجویی شیرینی از یکی از مبارزین اصیل و مکتبی که در مقابل سازشکاران و مرتجعین سخت ایستادگی می کند، نموده اند.

باید از آقایان که اسناد ساواک تهران را در اختیار دارند پرسید، چرا تنها این دو صفحه از مجموعه پرونده قطور برادر پیمان را بخش کردید؟ اگر قصد شما آگاهی مردم است، چرا تمامی پرونده را در اختیار افکار عمومی قرار نمیدهد؟ و اگر وحشت ندارید، نظریه ساواک را درباره خودتان نیز بخش کنید. طبیعی است که سازشکاران زخم خورده اند و ماهیت شان افشاء شده است، پس در لحظاتی که می خواهید غرق شوند، سعی دارند تا آنجا که در توان دارند نیروهای مترقی و انقلابی را نیز با خودشان به عرقاب بکشانند. اما این آرزو به دل آنها خواهد ماند، زیرا خلق هوشیار است و فرزندانش را که سالها تحمل شکنجه و زندان و... را کرده اند خوبی می شناسد، و ما محک سره را از ناسره و انقلابیون را بقول پدر طالقانی از "انقلابی بعد از انقلاب" تشخیص میدهد.

کسانیکه این دو برگ را بعنوان افتاء برادر پیمان انتشار داده اند، حتی ابتدایی ترین اصول مکتبی را هم در برخورد هایشان

توطئه سازشکاران و

بقیه از صفحه اول

و مراقبت شدید آن از فعالیت برادر پیمان، فعالیت های مخفی، تشکیلاتی را امکان نمی داد، و پس از منلاشی شدن "جاما" در تماس غیر مستقیم با یکی از سازمانهای مسلح قرار می گیرد که بعدا پس از ضربات سخت ساواک بر این سازمانها، تماس برادر پیمان بصورت مستقیم توسعه می یابد و ضمن این فعالیتها عهده دار بعضی از مأمورین آنها می گردد و در همین سالها کار مکتبی فتردهای را آغاز و علاوه بر ایراد سخنرانیها در هر فرصت و موقعیت مطالعه و تدوین چند رشته اساسی از ایدئولوژی اسلامی همت گماشت. کارهای راهگشای افراد و نیروهای مترقی بود.

لیبرالهای سازشکار و مرتجعین با انتشار این ورقه از میان پرونده قطور برادر پیمان در ساواک، می خواهند تا اسلام مترقی و انقلابی را بی اعتبار سازند و این جریان است که می خواهد تا عناصر و افراد مترقی و انقلابی و شناخته شده در بین توده های محروم و روشنفکران متعهد و انقلابی را از حرکت بازدارند. همگی باید متعهدانه در مقابل این حرکت خطرناک و عمل ضد انقلابی که گروهی سازشکار و مرتجع آغاز کرده اند مقاومت کنیم و هرچه بیشتر ماهیت ضد انقلابی آنان را رسوا سازیم و نشان دهیم که چگونه ایشان آب به آسباب ارباب خود امپریالیسم آمریکا، می ریزند.

مستحکم باید بیوند نیروهای مترقی و انقلابی مرگ بر سازشکاران و مرتجعین

جنبش مسلمانان مبارز ۵۸/۱۲/۲

نمای گرفته و... تاریخ سند ساواک ۴۲/۲/۱۶ اصل سند در این شماره چاپ شده است و با در سندی که باز از ساواک شیراز بدست آمده، از سخنرانی برادر پیمان گزارشی داده که دعسا کرده و گفته "خدایا امام آزاد مرد ما هم که سعید و در سرزمین خود نیست سیرزمین خود باز گردان (مردم آیین گفتند)" و درباره دستگیری برادر پیمان "دکتر حبیب اله پیمان فرزند حسن، نامبرده بالا یکی از مؤسسی و اعضای فعال جنبش آزادبخش ملت ایران (جاما) است و تحت تعقیب می باشد، متواری گردیده است، بدستوسله چهار قطعه عکس

● در آن لحظات خون و قیام، که شهدای ما در خیابانها فریاد مرگ بر آمریکا سر میدادند و بدون کمترین ترس و وحشتی در مقابل گلوله دشمن در راه حق آگاهانه و عاشقانه جان می بخشیدند، این سازشکاران در پشت درهای بسته با سولیوان و هایزر و... می نشستند و برمی خاستند و شورای سلطنت تعیین میکردند.

و از بین بردن اسناد و مدارک و ارتباطا درون زندان، سرانجام بوسیله مأموران رژیم دستگیری می شود. آنچه که این سند نیز نشان میدهد مقاومت برادر پیمان است در بازجویی ها، با جاشیکه حتی پس از محاکمه که او متکرر همه اظهارات ساواک می شود و مأموران ساواک را ستوه می آورد و با تمامی وسائلی که بکار گرفتند، نتوانستند کوچکترین اطلاعی از او بدست بیاورند، و ساواک شاه پس از محاکمه برادر پیمان همچنان در بی اطلاعی است و می نویسد "... دکتر پیمان بایستی اطلاعات خود را تقدیم نماید. " متن سند آورده شده است. " و باز از جاشیکه آقایان سازشکار و مرتجع که دست به انتشار این دو برگ زده اند، از آگاهی سیاسی برخوردار نیستند و خود شکنجائی را تحمل نکرده اند، نمیدانند که برادر پیمان در کجا جنبش و صحبت و نوشتناتی را دارد، وقتیکه او در زیر شکنجه با ساواک طرف صحبت است (کسانیکه در زندان ساواک بودند، می دانند که لحن صحبت در مقابل مأموران رژیم جلادشاه چه ظرافتهای سیاسی و انقلابی می طلبید و این در حالی است که برادر پیمان و دیگر مبارزین گروهی مسلح برای برانداختن رژیم شاهنشاهی تشکیل داده اند. " چون خود هرگز در مقابل ساواک و حسینی ها و نصیری قرار نداشتند، نمیدانند که یک مرد میدان مبارزه و انقلابی با ساواک و با نصیری طرف صحبت است، شیوه بیانش چه باید باشد، در سال ۴۵ که هنوز خبری از مبارزه مسلحانه نیست، تشکیل یک گروه مسلح و خواست نابودی رژیم سلطنتی، چگونه است؟ در هنگامیکه با مأموران رژیم و جلادان ساواک روبرو است از قانون اساسی چگونه صحبت می کند؟ در این نوشته برادر پیمان گفته "از راه بهداشت مردم و درمان درد بیماری آنها... کمک کند، و "عمرم را در زندان تلف نکنم و در بیرون به دندان زنی برادرمان "آیا کسانیکه این اسناد را منتشر کرده اند تا کجا شعور و شرف سیاسی دارند و نمیدانند که برادر پیمان از زندان بیرون آمد و چه کرد؟ آیا باید به نصیری میگفت که من میخواهم بروم بیرون و کار ایدئولوژیک - سیاسی بکنم... و یا با گروههای مسلح ارتباط برقرار کنم و... عمل برادر پیمان از موقتی که در همان سال ۴۵، موقفا "از زندان بیرون آمد، بهمانکرتیت او از این نامه است. آیا او از سال ۴۵ که از زندان بیرون آمد در کنج آرام و مرفه بگردد و در بیرون بپرداخت و با برای گرفتن تخصص به آمریکا رفت، آنچنان که دیگران تشریف بردند و توان باقی ماندن در صحنه را نداشتند. یا اینکه بدون وقفه و کوناهی سراسر زندگی اش تا به امروز مبارزه بود و زندان و دوباره و چندباره شکنجه و اخراج از دانشگاه تهران و تهدید بمرگ... از نظر آقایان سازشکار نگاه برادر پیمان اینست که به نصیری و ساواک در سال ۴۵ گفته است که من دندانزیشکم و "قدمی در جهت خلاف قوانین اساسی ایران و رژیم مشروطه سلطنتی برنداشتم برعکس همیشه انگیزهام خدمت بوطن و کوشش در راه ترقی و تعالی ایران و رفاه حال هموطنان بوده است... در سالهایی که امام هم بر روی قانون اساسی تکیه میکرد و اینان روند تکاملی مبارزه سیاسی را هرگز نمیدانند. نکته جالب اینجاست که بفاصله یک تا دو ماه بعد از آزادی پیمان، ساواک گزارش میدهد "دکتر حبیب پیمان عضو گروه جاما که اخیرا "از زندان آزاد شده بشیراز آمده و با پاره ای از اعضاء سابق جبهه ملی و جامعه سوسیالیست..."

● آن کسانیکه این چنین دل خوش کرده اند که با انتشار این دو برگ، لکه ای در تاریخ زندگی مبارزاتی برادر پیمان بگذارند، جواب بدهند که اسناد سفارت ایران در آمریکا کجاست؟

باری کرده اید و با به جوانان بیرو مکتب؟ عملکرد این سازشکاران در چند ماه گذشته جز این را نشان نداده است، آیا کسانیکه طرح ملاقات با برژنسکی، طرح خیانتکار آمریکا با دولت به اصطلاح انقلاب تدارک دیده اند، حاضرند تا به این سئوالها جواب بدهند؟ از انتشار این دو برگ درباره برادر پیمان میخواهند چه بگویند؟ اگر واقعا "مردم می اندیشند! چرا اسناد سفارت ایران در آمریکا و اروپا را منتشر نمی کنند؟ چرا از انتشار اسناد جاسوسخانه آمریکا در تهران جلوگیری می کنید؟ چرا اسناد ساواک تهران را که تا بحال در بیابانهای خود نگه داشته اید، انتشار نمی دهید؟ و تمامی پرونده دکتر پیمان را در اختیار افکار عمومی قرار نمی دهید؟ اما بجای آن از شیوههای شاه و ژنرالهایش یاد گرفته اید که جنگ اعصاب و جنگ روانی را راجع کنید، در محافل خود و به دوستان نزدیک و دور تلفن میزنید که "بله پیمان به ساواک قول همکاری داده" اما اصل دوصححه را هم بطور وسیع انتشار نمیدهد تا در یک برده ابهام و شک و تردید، برای چیزی که

ارتزی ندارد، اهمیت فوق العاده ایجاد کنید و بازار سابعه را که از شیوههای کثیف رژیم گذشته فزا گرفته اید، به راه بیاندازید، ما اصل این دو برگ را انتشار میدهم و بسا احتیاط می کنیم که لحظاتی در افضای ماهیت سازشکارانه شما درنگ نخواهیم کرد و تا آنجا که ایمان ما و اعتقاد ما باری دهد در مقابل شما سازشکاران و مرتجعین مقاومت و پایداری خواهیم نمود و یقین بدانید که در این راه حلی مسلمان و انقلابی هراه و همگام است و هیچگونه بیبندی با شما سازشکاران و مرتجعین و "انقلابیون بعد از انقلاب" ندارند.

سازشکاران و مرتجعین نه با این نوطه ها و نه با بختی اسناد جعلی، هرگز نخواهند توانست خلق را فریب دهند و خود را به عنوان "انقلابی" همچنان وانمود کنند.

مختصری از زندگی مبارزاتی برادر پیمان برادر پیمان در سال ۱۳۲۸ در حالیکه سال دوم دبیرستان بود، در نهضت آزادی مردم ایران فعالیت میکرد، اولین دوره بارداست و زندان خود را از سر گذرانید، در سال ۱۳۲۸ یعنی سی سال پیش و بعد از آن در سالهای ملی شدن نفت به رهبری دکتر مصدق، بانام وجودش در حزب مردم ایران به تلاش و فعالیت پرداخت.

بعدار کودتای ۲۸ مرداد یکی از قربانیان فرمانداری نظامی بختیاری است که دستگیر و زندانی می شود و در دادگاههای نظامی فرمانداری نظامی محکوم میگردد و این هنگامی است که برادر پیمان هنوز کلاس ششم متوسطه است. بعد از آزادی از زندان در کنکور دانشگاه سراز قبول می شود اما فرمانداری نظامی از ماندن پیمان در شیراز جلوگیری میکند و وی مجبور می شود تا به تهران مهاجرت کند. در تهران وارد دانشگاه تهران می شود. در جریان نهضت مقاومت ملی شرکت فعال داشت و در سال ۱۳۳۴ مجددا " توسط فرمانداری نظامی بازداشت می شود. در سال ۱۳۳۶ نیز همراه زهرا نهضت مقاومت ملی دستگیر و به فرمانداری نظامی برده می شود و در این سال همراه معلم شهید دکتر علی شریعتی در یک سلول در زندان قزل قلعه زندانی می شود. در سالهای حدود ۳۹ مجددا حبس و

جوسی در دانشگاه تهران بوجود آمد و برادر پیمان در تشکیل اولین هسته های فعالیت درون دانشگاهی بعد از سال ۳۹ نقش عمده ای بعهده داشت، در حقیقت سازمان - دهنده اولین اعتصاب عمومی دانشگاه تهران بعد از سالهای خفقان کودتای ۲۸ مرداد بود. در همین اوان توسط ضد اطلاعات ارتش دستگیری می شود و باز محاکمه و مجددا " محکومیت و زندانی. کسانیکه میگویند "کسانی جریانیهای داخل سفارت را هدایت میکنند و حتی بگروه هم زندان ترفند است " نشان داده اند که کوچکترین اطلاعی از گذشته خونبار توده های مردم ندارند. پیمان هم یکی از همین توده های مردم است، در سال ۴۰ که " فضای باز سیاسی " به اجرا در آمد، برادر پیمان با انتشار دو جزوه "مردم ایران در آستانه یک تحول اجتماعی" و "خصوصیات سوسیالیزم مردم ایران" کارهای مکتبی را همچنان دنبال نمود. در آن روزها تحصن در دانشگاه تهران برپا شد که برادر پیمان در سازماندهی و تشکیل آن اعتصاب و تحصن نقش عمده ای داشت و "شاپور بختیار" عامل شکست آن تحصن شد. در روزهای خونین پانزدهم و شانزدهم خرداد، برادر پیمان پیمان مردم رفت و در میان مردم بوده و با آنان سخن گفت. به همین دلیل بعد از بازنده خرداد دستگیر و زندانی شد. بعد از بازنده خرداد با یک جمع بندی اصولی و بنیادی در باره استراتژی مبارزه ضمن تحلیلی درباره حبه ملی ایران و حزب مردم ایران

● آن کسانیکه این چنین دل خوش کرده اند که با انتشار این دو برگ، لکه ای در تاریخ زندگی مبارزاتی برادر پیمان بگذارند، جواب بدهند که اسناد سفارت ایران در آمریکا کجاست؟

به این نتیجه رسید که باید مشی مبارزه مسلحانه و قهرآمیز و درازمدت را در پیش گرفت، و خود جز " اولین گروهی بوده که بعد از بازنده خرداد دست به چنین کاری زد. در تمام میانیه ها تکیه بنام جنبش آزادبخش مردم (جاما) منتشر شد و اسنادش موجود است، برادر پیمان نقش اساسی و عمده را برعهده داشت. بعد از آزادی در سال ۴۶ در همان ماههای اول آزادی بفرگ سازمان دادن مجدد افتاد و در همین سالهاست که کار مکتبی را روی " فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن " و " کار، مالکیت، سرمایه از دیدگاه اسلام " را آغاز کرد.

این نوشته ها نقش مهمی را در راهنمایی مکتبی جوانان مبارز داشت و دارد. بعد از آن نیز با انتشار جزوات و کتب متعدد ایدئولوژیک و سیاسی و پس از آنکه سازمانهای انقلابی مسلمان در صحنه تاریخ ما بوجود آمد ارتباط برقرار کرد، ارتباطی مستقیم و غیر مستقیم که تا سال ۵۴ و ۵۵ و حتی بعد

توطئه دوم علیه برادر پیمان

سرقت اسناد و مدارک

عوامل سازشکاران و مرتجعین که نتوانستند در توطئه نخست، یعنی انتشار دوبرگ ازمیان پرونده برادر پیمان در ساواک تهران وتلفنهای مکرر برای مذاکره و تطمع و بعد هم تهدید، موفق شوند، در عصر روز پنجشنبه که برادر پیمان، در جلسه هفتگی جنبش مسلمانان مبارز حضور داشت و کسی در خانه ایشان نبوده، به منزل ایشان می‌روند و توطئه خائنه خود را برای سرقت اسناد و مدارک به انجام می‌رسانند. در همان پنجشنبه شب و قریباً پس از مراسم سخنرانی با برادر پیمان به خانه بازگشتیم، متوجه شدیم که تمام خانه بخصوص اتاق کار و کتابخانه ایشان درهم ریخته شده و اوراق و اسناد و بعضی از کتب در اتاقها پراکنده شده است. با نگاهی به اطراف متوجه شدیم قصد افرادی که وارد خانه شده بودند، سرقت اشیاء عادی منزل نبوده، بلکه برای دست یافتن به اسناد و مدارک به آنجا آمده بودند. در این توطئه تعدادی از دست‌نوشتهها و بعضی از اسناد را به سرقت بردند، البته برای آنکه وانمود کنند که سرقت اشیاء هم در کار بوده، ضبط صوت کوچک و چند وسیله بسیار ناچیزی را هم بهمراه خود برده‌اند. از زمانیکه توطئه انتشار دو برگ از میان پرونده برادر پیمان در ساواک تهران بوسیله سازشکاران و مرتجعین انجام گرفت، همرا با تهدیدهایی که بوسیله تلفن انجام گرفته است این توطئه دومی است که بوسیله عوامل مزدور سازشکاران و مرتجعین و وابستگان به امپریالیسم آمریکا صورت می‌گیرد. این جریان برنامه توطئه‌گرانه و حساب‌شده‌ای را علیه مبارزین و انقلابیون تدارک دیده است، و ما به همه مبارزین هشدار می‌دهیم از مقابله با عوامل آن آگاهانه مبارزه و شدیداً مقاومت کنند که باید هر چه زودتر این عوامل توطئه‌گر رسوا و افشاء گردند.

...

اعتراض دانشجویان

اعتراض دانشجویان و هواداران جنبش مسلمانان مبارز

دانشجویان دانشگاهها و مدارس عالی و هواداران جنبش مسلمانان مبارز، طی انتشار بیانیه‌های متعدد، اعتراض و نفرت خود را به توطئه علیه برادر پیمان اعلام داشتند، بخاطر کثرت این اعلامیه‌ها، تنها به چاپ بیانیه مشترک از جانب دانشجویان اکتفا کردیم.

"بنام خدا"
توطئه سازشکاران و مرتجعین علیه "نیروهای مکتبی و مترقی"

یخادعون الله والذین آمنوا وایحیون
الا انفسهم وایضعون - بقره/۹۱

در پی اشغال لانه جاسوسی توسط دانشجویان مسلمان بیرو خط امام و اوج گیری مبارزات ضدامپریالیستی خلق، افشای اسناد جاسوخانه و روشن شدن ماهیت سازشکاران و مرتجعین که بیانگر وجود جریان‌های انحرافی در مقابل خط امام بود، امپریالیسم آمریکا و متحدین داخلی آن یعنی لیبرالها و مرتجعین را سخت به تگاب و آذابت فراخواران خلق را که از اسلام راستین و رهنمودهای مکتبی امام نشئت گرفته‌بود و می‌رفت تا ایران را به گورستان دیگری برای امپریالیسم آمریکا میدل‌سازد در نطفه خفه کنند.

اینان که پیروزی انقلاب را مدیون مذاکرات پشت پرده خود می‌دانند و نه خون شهیدان گلگون کفن و قهرانقلابی توده‌ها، در صدد برآمدند تا مبارزه را نه جنگ که دعوی حقوقی مطرح کرده و با حل آن از طریق مذاکره و مصالحه بار دیگر توده‌ها را از صحنه خارج ساخته و نیروهایی را که سازش‌ناپذیری خود را در عمل اثبات نمودند و از ابتدا خطر این جریان‌های سازشکارانه را هشدار می‌دادند، منزوی سازند تا پایه‌های متزلزل حاکمیت خود را

اینان که پیروزی انقلاب را مدیون مذاکرات پشت پرده خود می‌دانند و نه خون شهیدان گلگون کفن و قهرانقلابی توده‌ها، در صدد برآمدند تا مبارزه را نه جنگ که دعوی حقوقی مطرح کرده و با حل آن از طریق مذاکره و مصالحه بار دیگر توده‌ها را از صحنه خارج ساخته و نیروهایی را که سازش‌ناپذیری خود را در عمل اثبات نمودند و از ابتدا خطر این جریان‌های سازشکارانه را هشدار می‌دادند، منزوی سازند تا پایه‌های متزلزل حاکمیت خود را

دوپیمام تاریخی امام خمینی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

اینجانب از ملت شریف ایران و از جوانان برومند که از بسیج عمومی استقبال نمودند تشکر می‌کنم. دفاع از اسلام و کشور اسلامی امری است که درمواقع خطر تکلیف شرعی، الهی و ملی است. و بر تمام قشرها و گروهها واجب است در این موقع حساس کهملت با دشمنان سرسخت و ابرقدرتها، خصوصاً آمریکا، که با مداخله جنایتکارانه خود در طول حکومت غاصبانه محمدرضا پهلوی ما را از رشد سیاسی و فرهنگی و اقتصادی بازداشت و ذخایر این ملت فقیر را به بنما برد مواجه است. اگر غفلت شود و با قدرت و پشتکار در مقابل دشمنان بشریت خود را مهیا نکنید و با بسیج عمومی که به خواست خداوند متعال هیچ قدرتی نمی‌تواند با آن مقابله کند، مهبای دفاع از کشور و اسلام نشود، خود را و کشور خود را با دست‌خود به تباهی کشانده است. من از آنچه تا کنون به همت مردان و زنان با شرف و رزمنده شده امید دارم که در بسیج همه‌جانبه آموزش نظامی و عقیدتی و اخلاقی و فرهنگی با تأکید خداوند متعال موفق شوند و دوره تعلیمات و تمرینهای عملی و نظامی و پارتنرانی و چریکی را شایسته و بطوری که سزاوار یک ملت اسلامی بیخاسته است بیابان‌رسانند. کوشید تا هر چه بیشتر نیرومند شوید در علم و عمل و با اتکال به خدای قادر، مجهز شوید به سلاح و صلاح که خدای بزرگ با شماست که دست قدرتی که قدرتهای شیطانی را در هم شکست پشتیبان جامعه الهی است. من امیدوارم که این بسیج عمومی اسلامی الگو برای تمام مستضعفین جهان و ملت‌های مسلمان عالم باشد و قرن پانزدهم قرن شکست بتهای بزرگ و جایگزینی اسلام و داد بجای ستمگری و بیدادگری و قرن انسانهای متعدد بجای آدمخواران بی‌فرهنگ باشد.

ای مستضعفان جهان بباخیزید و خود را از جنجال ستمگران جنایتکار نجات دهید و ای مسلمانان غیرتمند افکار عالم از خواب غفلت برخیزید و اسلام و کشورهای اسلامی را از دست استعمارگران و وابستگان به آنان رهایی بخشید. ای ملت شریف ایران به نهضت اسلامی خود ادامه دهید و به اجانب هر که باشد، اجازه ندهید که در سرنوشت شما دخالت کنند و به غارتگری‌ها برای همیشه خاتمه دهید و با قاطعیت از آمریکا و هر دولت دیگر که به حمایت خیانتکار به اسلام و ملت، محمدرضا پهلوی، برخاسته است بخواهید که این جانی و اموال مسروقه ملت را به ما برگردانند و تاپیروزی از پای ننشینند. بارالها، پشتیبان ملت وجوانان عزیز ما باش که اینان برای رضای تو بپاخواستند و با نهضت خود دشمنان دین را از صحنه راندند.

انک علی کل شیء قدیر
سلام و درود بر ملت بزرگ و بر مبارزان راه حق و استقلال و آزادی.

اول اسفند ماه ۱۳۵۸
روح‌الله الموسوی‌الخمينی

- کوتنی بصورت عینی شامل موارد ذیل می‌گردد:
- ۱- تأمین استقلال از طریق قطع کامل وابستگیهای اقتصادی - سیاسی - فرهنگی و نظامی از امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا.
 - ۲- عدم وابستگی بودجه کشور به درآمدهای نفتی از طریق رشد تولید ملی.
 - ۳- شرکت مستمر مردم در امور مملکتی از طریق ایجاد نظام شورایی.
 - ۴- تأمین آزادیهای اجتماعی و سیاسی.
 - ۵- خودکفایی کشاورزی از طریق مبارزه با فئودالیسم و اجرای اصلاحات ارضی اسلامی و بازسازی روستاها.
 - ۶- خلع يد از سرمایه‌داری وابسته و مبارزه با صنایع مونتاژ.
 - ۷- پشتیبانی از صنایع ملی.
 - ۸- دفاع از حقوق کارگران و دهقانان.
 - ۹- پاکسازی و بازسازی تمامی مؤسسات کشوری و لشکری.
 - ۱۰- حل مسئله ملی در چارچوب تمامیت ارضی ایران و رفع هرگونه تبعیض ملی و فرهنگی.
 - ۱۱- حل مشکل مسکن و بیکاری.
 - ۱۲- تأمین بهداشت و درمان عمومی.
 - ۱۳- ایجاد ارتش بیست میلیونی.
 - ۱۴- ایجاد آموزش اجباری و ریشه‌کن ساختن مسئله بیسوادی.
 - ۱۵- تساوی حقوق زن و مرد.
 - ۱۶- پشتیبانی از جنبشهای آزادی - بخش جهان.

هوپتان مبارز!

بیانیه انتخاباتی

شماره ۳

بنام خدا
بیانیه شماره ۳ - پیرامون انتخابات مجلس شورای ملی

بر اساس مواضع اعلام شده قبلی و تأکیدات مکرر امام خمینی در وحدت عمل نیروها و با توجه به ضرورت تقویت جبهه نیروهای مترقی و مکتبی در مجلس و بمنظور پاسداری از دستاوردهای انقلاب و مقابله جدی با جریان‌های سازشکارانه و انحرافی و تداوم بخشیدن به مبارزه ضد امپریالیستی و مکتبی - جنبش مسلمانان مبارز علیرغم دشواریهای گوناگونی که بر سر راه یک - انتخابات اصل قرار دارد - ضمن وفاداری ماندن به اصول و هدفهای اعلام شده و مصالح درازمدت انقلاب - در حد توان و ظرفیت خویش با انتخابات مجلس برخورد فعال نموده، از میان‌چهره‌های مترقی و مکتبی نامزدهای زیر را برای تهران و شهرستانها معرفی می‌نماید:

- الف - تهران
- ۱- حجت‌الاسلام دکتر علی گلزاده غفوری
 - ۲- حجت‌الاسلام موسوی خوشینی
 - ۳- دکتر حسن افتخار
 - ۴- عزت‌الله خلیلی
 - ۵- مصطفی میرخانی
 - ۶- دکتر کاظم سامی
 - ۷- طاهره صفارزاده
 - ۸- مسعود رجوی
 - ۹- دکتر محمد ملکی
 - ۱۰- مهدی ابریشم‌چی
 - ۱۱- محمد شانه‌چی

ب شهرستان

- کرمانشاه: مهدی اقبال آل آقا
ورامین: رضا اصفهانی
اهواز: اسماعیل کوشاوی - عبدالنسی سالی
شیراز: سید محمد عباسزادگان
اردبیل: دکتر محمدحسن جوخاچی زاده - اسماعیل نرثیانی
یزد: حسین اولیاء
اصفهان: حسین نکویی
تبریز: اسماعیل مددی - محمدحسن شهیدی
محلان: محمد محمدی

ضمناً جنبش مسلمانان مبارز از نامزدی اشخاص زیر که مواضع اصولی و مترقی دارند حمایت می‌نماید:

رشت: حجت‌الاسلام حسن لاهوتی
رضا رضانی
شهرکرد: اسفندیار جعفری
مشهد: طاهر احمدزاده
انزلی: ابوالقاسم حسین‌جانی
کرگان: محمد محمدی
ساری: احمد بانک‌ساز
لنجان: سیدمحمد بزرگی
اصفهان: فتح‌الله امید
برازجان: محمد مهدی جعفری
اندیشک: عبدالرضا ابراهیمی نژاد

جنبش مسلمانان مبارز



هوپتان مبارز
لظاً "وجهه نشریه امتو همچنین کتکهای مالی خود را به حساب جاری ۴۰۰ بانک صادرات شماره ۲۸۶۴۴ خیابان استاد مطهری چهارراه مبارزان واریز و یک نسخه از فیش کتک مالی را بدفتر امت ارسال دارید."
متشکریم

هفته نامه امت شماره ۴۶
چهارشنبه ۸ اسفند ۱۳۵۸
۱۳۵۸ سال اول
زیر نظر:
شورای نویسندگان امت
خیابان بهار شمالی پس خیابان نامور
۸۲۴۸۴ - ۸۲۴۸۳
چاپ در مرکز امت شهر قم